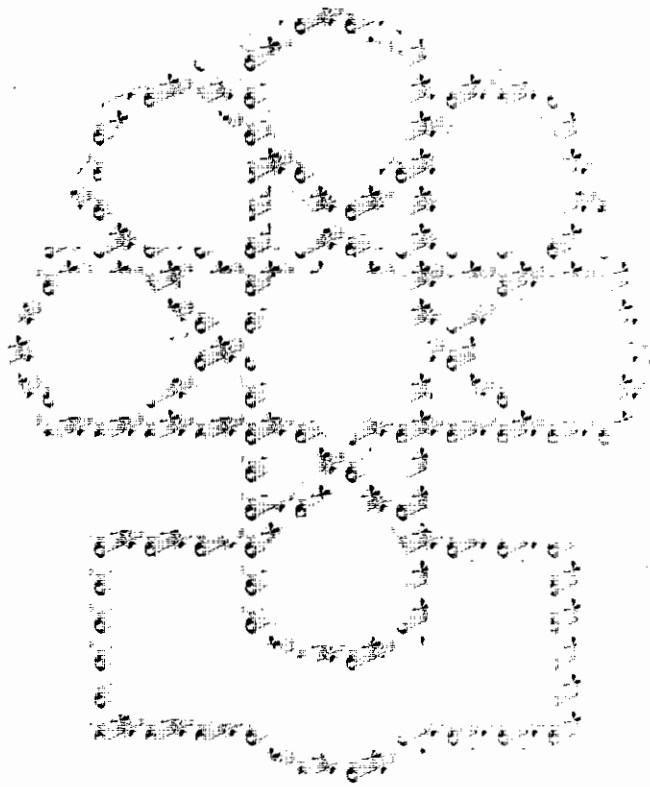


K



قانون اساسی کشورها (۵) جمهوری فدرال آلمان



کار: دفتر بررسی های حقوقی

معاونت پژوهشی

مرداد ۱۳۷۹

کد گزارش: ۴۱۰۴۹۶۹

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و کتابخانه ملی
شماره: ۱۴۵۳
تاریخ: ۷۹/۴/۲۷

بسمه تعالی

قانون اساسی کشورها (۵) جمهوری فدرال آلمان مصوب ۱۹۴۹

کد گزارش: ۴۱۰۴۹۶۹

قانون اساسی - (قانون بنیادی) جمهوری فدرال آلمان مصوب ۱۹۴۹

آگهی شورای پارلمانی

«شورای پارلمانی»، طی اجلاسیه علنی که در «بن ام راین» در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۴۹ تشکیل داد، تأیید نمود که قانون بنیادی جمهوری فدرال آلمان که در تاریخ ۸ مه ۱۹۴۹ در «شورای پارلمانی» تصویب شده بود، در هفته ۱۶ تا ۲۲ مه ۱۹۴۹ به وسیله مجالس نمایندگان بیش از دو سوم ایالات شرکت کننده به تصویب نهایی رسید. نظر به جهات بالا، رئیس «شورای پارلمانی» به نمایندگان شورا، قانون بنیادی را توشیح و رسمیت آن را اعلام می دارد. این قانون بنیادی پیرو بند (۳) ماده ۱۴۵ در «مجله حقوقی فدرال» چاپ و منتشر می شود.^۱

دیباچه

مردم آلمان

در ایالات بادن^۲ باواریا، برمن، هامبورگ، هس، ساکسونی پایین، راین - وستفالیای شمالی، راین لند - پالاتینات، شلسویک - هالستین، ورتمبرگ - بادن^۳ و ورتمبرگ - هوهنزولرن^۴ آگاه از مسئولیت خود، در برابر خدا و انسان، شادمان از این تصمیم که یگانگی ملی و سیاسی خود را حفظ می کنند و در تأمین صلح جهانی، همچون شریکی برابر با دیگران در اروپای متحد، تلاش می نمایند.

مشتاق برقراری نظامی نوین در زندگانی سیاسی، در دوران موقت، به اتکای اقتدارات اساسی خود، این قانون بنیادی را برای جمهوری فدرال آلمان، مقرر می دارند. قانون حاضر را همچنین به نمایندگی از سوی آلمانی هایی که حق شرکت از آنان سلب شده است، تصویب می کنند. از همه مردم آلمان دعوت می شود که با تصمیم گیری آزادانه خود، یگانگی و آزادی آلمان را تحقق بخشند.

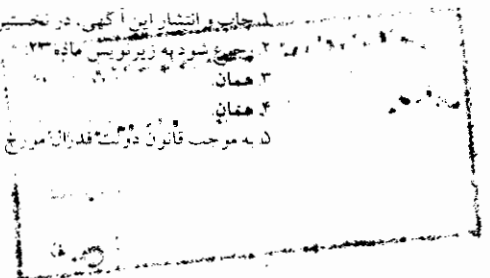
اول - حقوق بنیادی

ماده ۱ (حمایت از شأن و مقام انسان)

- ۱- شأن و مقام انسان مصون از تعرض است. حرمت و حمایت از آن وظیفه مقامات حکومت است.
- ۲- از این روی، مردم آلمان مصون بودن حقوق بشر را از تعرض و غیر قابل انتقال بودن آن را اساس هر جامعه و پایه صلح و عدالت در جهان، می شناسند.
- ۳- حقوق بنیادی که در زیر آمده است، حکم مستقیم و لازم الاجرا به قوه قانون گذاری و مجریه و قضائیه است و آنان را ملتزم و متعهد می دارد.

۱- چاپ و انتشار این آگهی، در نخستین شماره «مجله حقوقی فدرال» مورخ ۲۳ مه ۱۹۴۹ صورت پذیرفت.

۲- جمع شود به زیر نویس ماده ۲۳ همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- به موجب قانون دولت فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول صفحه ۱۱۱).



ماده ۲ (حق آزادی)

- ۱- هر کس حق دارد شخصیت خود را آزادانه پرورش دهد، تا آنجا که به حقوق دیگران تجاوز نکند یا از نظم متکی به قانون یا مقررات اخلاقی تخلف نرزد.
- ۲- هر کس حق حیات دارد و شخص او از تعرض مصون است. آزادی فرد مصون از تعرض است. نقض این حقوق فقط به موجب قانون میسر است.

ماده ۳- (تساوی در برابر قانون)

- ۱- اشخاص، همگی در برابر قانون مساویند.
- ۲- مردان و زنان حقوق مساوی خواهند داشت.
- ۳- به هیچ کس نمی توان به خاطر جنس، دودمان، نژاد، زبان، وطن و اصل، ایمان، یا عقاید مذهبی یا سیاسی او، آسیب رساند یا امتیاز داد.

ماده ۴ (آزادی عقیده و کیش)

- ۱- آزادی معتقدات وجدانی و آزادی کیش اعم از مذهبی و ایدئولوژیکی، مصون از تعرض است.
- ۲- عدم مزاحمت در اجرای مراسم مذهبی تضمین می شود.
- ۳- هیچ کس را نمی توان مجبور کرد که برخلاف وجدان خود در خدمات جنگی، اسلحه به کار برد. جزئیات آن را قانون فدرال، مقرر خواهد داشت.

ماده ۵ (آزادی بیان)

- ۱- هر کس حق دارد، عقیده خود را با گفتن، نوشتن و تصاویر، آزادانه بیان و منتشر و از منابعی که در دسترس عموم است آزادانه کسب خبر کند. آزادی مطبوعات و آزادی خبررسانی به وسیله رادیو و فیلم تضمین می شود. در این موارد سانسور نخواهد بود.
- ۲- این حقوق با مقررات قوانین عادی، مقررات قانون حمایت جوانان و حق مصون از تعرض شرف اشخاص، محدود می شود.
- ۳- هنر و علم، تحقیق و آموزش آزاد خواهد بود. آزادی آموزش، کسی را از تکلیف وفاداری به قانون بری نخواهد ساخت.

ماده ۶ (ازدواج، خانواده، کودکان نامشروع)

- ۱- ازدواج و خانواده از حمایت ویژه دولت برخوردار خواهد بود.
- ۲- مواظبت از کودکان و پرورش آنان حق طبیعی و تکلیفی است که در مرحله نخستین بر پدر و مادر است. جامعه بر کوشش های آنان در این خصوص، نظارت خواهد کرد.
- ۳- کودکان را نمی توان، برخلاف اراده اشخاصی که حق پرورش آنان را دارند، از خانواده های آنان جدا کرد، مگر به موجب قانون. یا در مواردی که دارندگان حق مذکور قصور کنند یا کودکان در معرض مسامحه و غفلت قرار گیرند.
- ۴- هر مادری حق دارد که جامعه از او حمایت و مواظبت کند.
- ۵- برای کودکان نامشروع، به منظور رشد جسمی و روحی و همچنین مقام آنان در جامعه، همان فرصت هایی به موجب قانون داده خواهد شد، که کودکان مشروع از آنها برخوردارند.

ماده ۷ (آموزش)

- ۱- نظام آموزشی سراسری زیر نظارت دولت خواهد بود.
- ۲- اشخاصی که پرورش کودک با آنها است، حق دارند، تصمیم بگیرند که آموزش مذهبی به کودک داده شود. یا نه.
- ۳- آموزش مذهبی، قسمتی از برنامه عادی دروس در مدارس دولتی و شهرداری، خواهد بود. مدارس غیر مذهبی از این حکم مستثنی است. بدون این که به حق نظارت دولت خللی وارد شود، آموزش مذهبی مطابق عقاید جماعات مذهبی داده خواهد شد. هیچ معلمی را نمی توان، برخلاف اراده اش، مجبور کرد که آموزش مذهبی بدهد.
- ۴- حق تأسیس مدارس خصوصی تضمین می شود. برای این که مدارس خصوصی جانشین مدارس دولتی و شهرداری شوند، موافقت دولت ضروری است و تابع قوانین ایالت خواهد بود. هرگاه مدارس در هدف های آموزشی، وسایل و کارآموزی حرفه ای معنمان خود، از سطح مدارس دولتی و شهرداری پایین تر نباشند و دانش آموزان را بر حسب استطاعت پدران و مادران از هم جدا نکنند، باید با آنان موافقت شود. اما اگر وضع اقتصادی و حقوقی معلمان به قدر کفایت اطمینان بخش نباشد، نباید موافقت شود.
- ۵- اجازه تأسیس مدرسه خصوصی ابتدایی، فقط هنگامی داده خواهد شد که، مقامات آموزشی تشخیص دهند به لحاظ فن و ویژه های در آموزش به مصلحت بوده یا اشخاصی که حق پرورش کودک با آنها است درخواست کنند مدرسه ای متناسب به فرقه یا مشترک میان فرقه ها یا مربوط به ایدئولوژی تأسیس شود، مشروط به این که مدرسه ابتدایی دولتی یا شهرداری از آن نوع در آن بخش وجود نداشته باشد.
- ۶- تأسیس مدارس تهیه همچنان ممنوع خواهد بود.

ماده ۸ (آزادی اجتماعات)

- ۱- همه مردم آلمان حق دارند، آزاد و غیر مسلح بدون اجازه یا اعلان قبلی، اجتماع کنند.
- ۲- در خصوص تشکیل جلسات در فضای آزاد، این حق ممکن است به وسیله قانون محدود یا تابع مقررات قانون شود.

ماده ۹ (آزادی تشکیل شرکت و انجمن)

- ۱- همه مردم آلمان حق دارند، شرکت و انجمن تشکیل دهند.
- ۲- تشکیل شرکت ها و انجمن هایی که هدف یا فعالیت های شان خلاف قانون جزا یا مخالف نظام قانون اساسی یا تفاهم بین المللی باشد، ممنوع است.
- ۳- حق تشکیل شرکت و انجمن به منظور حفظ و بهبود شرایط کار و شرایط اقتصادی برای هر کس و در همه کسب ها و تجارت ها، مشاغل و حرفه ها، تضمین می شود. قراردادهایی که این حق را محدود یا به آن آسیب رساند، باطل و از درجه اعتبار ساقط است. هر اقدامی که برای رسیدن به چنین مقصودی انجام شود غیر قانونی خواهد بود. اقداماتی که پیرو ماده ۱۲ الف، بندهای (۲) و (۳) از ماده ۳۵، بند (۴) از ماده ۸۷ الف، یا ماده ۹۱ انجام می شود، به گونه ای اجرا نخواهد شد که به اختلافات صنعتی که شرکت ها و انجمن ها در محدوده نخستین جمله این بند، به منظور حفظ و بهبود شرایط کار و شرایط اقتصادی، با آنها درگیر می شوند، لطمه وارد کند.^۱

۱- حسیه آخر به موجب قانون فدرال تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» اول صفحه ۷۰۹).

ماده ۱۰^۱ (محرمانه بودن مکاتبات و مخابرات)

۱- محرمانه بودن مکاتبات و مخابرات از تعرض مصون است.

۲- این حق را فقط به موجب قانون می توان محدود ساخت. در این قانون می توان پیش بینی کرد که به شخص مورد نظر در صورتی از محدودیت های مزبور اطلاع داده نخواهد شد که برای حفظ نظم اساسی دموکراسی آزاد، یا هستی یا امنیت حکومت مرکزی یا ایالت، سودمند باشد، در این قانون همچنین می توان پیش بینی کرد که به جای مراجعه به دادگاه ها، هیئت ها و هیئت های فرعی منصوب از طرف پارلمان قضیه را مورد تجدیدنظر قرار دهند.

ماده ۱۱ (آزادی تغییر مکان)

۱- همه مردم آلمان از آزادی تغییر مکان، در سراسر قلمرو فدرال برخوردار خواهند بود.

۲- این حق را فقط به موجب قانون می توان محدود ساخت، آن هم فقط در مواردی که وسایل کافی برای زندگی موجود نباشد و بر اثر آن مسئولیت های ویژه بر جامعه تحمیل گردد، یا محدودیت های مزبور برای رفع خطر قریب الوقوع به هستی یا نظم اساسی دموکراسی آزاد در اتحادیه یا ایالت، یا مبارزه با خطر بیماری های واگیر، یا مقابله با سوانح طبیعی یا حوادثی با مشکلات ویژه، یا حفظ جوانان از غفلت و مسامحه یا برای جلوگیری از ارتکاب جرم، لازم باشد.

ماده ۱۲^۲ (حق انتخاب کسب و تجارت، شغل یا حرفه)

۱- همه مردم آلمان حق دارند، کسب و تجارت، شغل، یا حرفه خود و محل کار و محل کارآموزی خویش را آزادانه انتخاب کنند. مقررات اشتغال به کسب و تجارت و مشاغل و حرفه ها را می توان به موجب قانون، وضع نمود.

۲- هیچ شغلی را نمی توان به هیچ کس تحمیل کرد، مگر خدمت اجباری سنتی برای عامه که به طور کلی و به تساوی شامل حال همگان می گردد.

۳- کار اجباری را فقط بر اشخاصی می توان تحمیل کرد که به موجب حکم دادگاه از آزادی خود محروم شده باشند.

ماده ۱۲ الف^۳ (مسئولیت برای خدمت نظام و دیگر خدمات)

۱- از مردانی که به سن هجده سالگی رسیده اند، می توان خواست که در نیروهای مسلح، پاسداری از مرزهای فدرال، یا سازمان دفاع کشوری، خدمت کنند.

۲- شخصی که به دلایل وجدانی، از استفاده از اسلحه در خدمات جنگی، خودداری دارد، می توان خدمتی جایگزین آن، از وی خواست. مدت این خدمت جایگزین، از طول مدت خدمت نظام بیشتر نخواهد بود. تفصیل آن در قانونی پیش بینی خواهد شد که با آزادی وجدان تعارض نداشته، امکان انجام خدمتی جایگزین داده شود که با واحدهای قوای مسلح یا پاسداری از مرزهای فدرال، ارتباط نداشته باشد.

۳- اشخاصی که مشمول خدمت نظام بوده لیکن به موجب بندهای (۱) و (۲) این ماده از خدمت معاف باشند، در موقع دفاع از کشور به موجب قانون، به مشاغلی ویژه متضمن خدمات کشوری و منجمله محافظت از

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول صفحه ۷۰۹).

۲. به موجب قوانین فدرال در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۶۵ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول صفحه ۱۱۱) و ۴ ژوئن ۱۹۶۸ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول صفحه ۷۰۹) به شرح متن اصلاح شده است.

۳. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول صفحه ۷۱۰).

مردم غیر نظامی، کدشده حراهند شد. گماردن اشخاص به مشاغل مشمول «قانون عمومی» مجاز نیست، مگر به منظور انجام وظایف پلیسی یا وظایف مشابه دیگر در اداره امور عمومی که فقط اشخاصی متکفل آنها می شوند که به موجب «قانون عمومی» استخدام شده باشند. اشخاص را می توان به مشاغلی که، در جمله اول این بند ذکر شد، در قوای مسلح و از جمله تهیه ملزومات و انجام خدمات مربوط به آن، یا در مقامات اداره امور عمومی به کار گذاشت. واگذاری مشاغل مربوط به تهیه ملزومات و خدمات به مردم غیر نظامی مجاز نیست، مگر به منظور تأمین نیازهای حیاتی یا تضمین سلامت آنان.

۴- ماده که حالت دفع وجود دارد، اگر نیازهای خدمات کشوری در بهداری عمومی کشوری و نظام پزشکی یا در سازمان بیمارستان ثابت نظامی، با خدمت داوطلبانه، تأمین نگردد، زنانی را که سن آنان بین هجده و پنجاه سال باشد، می توان، به موجب قانون، به این گونه خدمات گماشت و به هیچ روی به خدمتی که مستلزم به کار بردن اسحه باشد، گمارده نخواهند شد.

۵- گماشتن اشخاص به مشاغل موضوع بند (۳) این ماده، در زمان پیش از وقوع حالت دفاع، فقط هنگامی ممکن است که مقررات بند (۱) ماده ۸۰ الف، صدق کند. اشخاص را به موجب قانون می توان مکلف ساخت که در دوره های کارآموزی حضور یابند و خود را برای انجام خدمات مقرر در بند (۳) این ماده، اگر مستلزم دانش یا مهارت ویژه باشند، آماده نمایند. در این صورت جمله اول این بند شامل این حکم نخواهد شد.

۶- ماده که حالت دفع وجود دارد، اگر نیازهای کارگری برای مقاصد مندرج در جمله دوم بند (۳) این ماده، با خدمت داوطلبانه، تأمین نگردد به منظور تأمین نیازهای مزبور، حق هر شهروند آلمانی را که به موجب آن می تواند کسب و تجارت یا شغل یا حرفه، یا محل کار خود را ترک کند، می توان به موجب قانون محدود ساخت. جمله اول بند ۵ این ماده شامل دوران پیش از وقوع حالت دفاع، به قدرت خود باقی است.

ماده ۱۳ (مصونیت مسکن)

۱- مسکن از تعرض مصون است.

۲- بازرسی را فقط دادرس می تواند اجازه دهد یا اگر در تأخیر خطر باشد با اجازه دستگاهی دیگر، به گونه ای که در قانون پیش بینی شده است و انجام آن نیز فقط به صورتی خواهد بود که قانون مقرر داشته است.

۳- در هیچ مورد دیگری مصونیت را نمی توان نقض کرد یا آن را محدود ساخت، مگر برای دفع خطری عام یا خطر مرگ افراد، یا در حدودی که قانون مقرر می دارد برای جلوگیری از خطر قریب الوقوع به سلامت و نظم عمومی، به ویژه برای کاهش دشواری کمبود مسکن، مبارزه با خطر بیماری واگیر یا حفظ نوجوانانی که در معرض خطر قرار گرفته اند.

ماده ۱۴ (مالکیت، حق توارث، سلب تصرف یا مالکیت)

۱- مالکیت و حق توارث تضمین می شود. محتوی و حدود آن را قانون معین خواهد کرد.

۲- مالکیت، تکالیفی به همراه دارد. استفاده از آن باید در خیر و رفاه عمومی باشد.

۳- سلب تصرف یا تملک اشخاص فقط به خاطر خیر و رفاه عمومی مجاز است و اجرای آن فقط به موجب قانونی که ماهیت و حدود جبران خسارت در آن پیش بینی شده باشد، خواهد بود. این جبران خسارت با برقراری توازن منصفانه میان مصلحت عمومی و منافع کسانی که در حقوق آنان این اقدامات مؤثر افتاده است، تعیین خواهد شد. در صورت بروز اختلاف در مبلغ خسارت، می توان به دادگاه های عادی رجوع نمود.

ماده ۱۵ (ملی کردن)

زمین، منابع طبیعی، وسایل تولید را می‌توان، به منظور ملی کردن آنها، به مالکیت عمومی یا صور دیگر اقتصادی با نظارت عمومی، به موجب قانون منتقل ساخت. نوع و حدود جبران خسارت در قانون مزبور پیش‌بینی خواهد شد. جملات سوم و چهارم بند (۳) ماده ۱۴ شامل این جبران خسارت نیز خواهد بود.

ماده ۱۶ (سلب تابعیت، استرداد مجرمین، حق پناهندگی)

۱- هیچ کس را نمی‌توان از حق تابعیت آلمانی خود، محروم ساخت. سلب تابعیت، فقط به موجب قانون خواهد بود و اگر خلاف رضای شخص باشد در صورتی امکان‌پذیر است که شخص مزبور، فاقد تابعیت نشود.

۲- هیچ آلمانی را نمی‌توان به کشوری بیگانه استرداد نمود. اشخاصی که به جهات سیاسی مورد آزار قرار گرفته‌اند، از حق پناهندگی برخوردار خواهند شد.

ماده ۱۷ (حق شکایت)

هر کس حق دارد که به تنهایی یا همراه با دیگران درخواست‌های کتبی یا شکایت خود را به نمایندگان ادارات صلاحیتدار و به هیئت‌های پارلمانی تسلیم دارد.

ماده ۱۷ الف^۱ (محدودیت بر حقوق اساسی کارکنان قوای مسلح و غیره)

۱- قوانین مربوط به خدمت نظام و خدمت جایگزین آن را می‌توان، با شرایطی که شامل کارکنان قوای مسلح و خدمات جایگزین آن در دوران خدمت نظامی یا جایگزین آن و مربوط به حقوق زیر باشد محدود نمود: حق اساسی بیان و انتشار آزادانه عقاید با گفتن، نوشتن و تصاویر (نیمه اول جمله مندرج در بند (۱) از ماده (۵)، حق اساسی آزادی اجتماعات (ماده ۸) و حق شکایت (ماده ۱۷) تا آنجا که این حق اجازه تسلیم درخواست یا شکایت را همراه با دیگران، می‌دهد.

۲- در قوانین مربوط به دفاع و حفظ مردم غیرنظامی، می‌توان حقوق اساسی مربوط به آزادی تغییر مکان (ماده ۱۱) و مصونیت مسکن (ماده ۱۳) را محدود ساخت.

ماده ۱۸ (سلب حقوق اساسی)

هر کس از آزادی بیان عقیده، به ویژه آزادی مطبوعات [بند (۱) از ماده ۵]، آزادی آموزش [بند (۳) از ماده ۵]، آزادی اجتماعات (ماده ۸)، آزادی تشکیل شرکت و انجمن (ماده ۹)، محرمانه بودن مکاتبات و مخابرات (ماده ۱۰)، مالکیت (ماده ۱۴)، یا حق پناهندگی [بند (۲) از ماده ۱۶] به منظور مبارزه با اساس نظام دموکراسی آزاد، سوءاستفاده کند. این حقوق اساسی از او سلب خواهد شد. سلب این حقوق و همچنین حدود مسلوب شدن آنها به حکم دادگاه قانون اساسی فدرال خواهد بود.

ماده ۱۹ (محدودیت حقوق اساسی)

۱- در هر مورد که حقی اساسی، در این قانون بنیادی، به موجب قانون محدود می‌شود، چنین قانونی باید شمول عام داشته باشد. نه آن‌که فقط قضیه‌ای مخصوص را در برگیرد. علاوه بر این، چنین قانونی باید آن حق اساسی را نام برد و به ماده مربوط آن اشاره کند.

۲- در هیچ مورد اصل حق اساسی، نقض نخواهد شد.

۳- حقوق اساسی، تا آنجا که ماهیت این حقوق مجال دارد، شامل اشخاص حقوقی داخلی نیز خواهد شد.

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱).

۴- هرگاه حق شخصی به وسیله صاحب منصبی در امور عمومی مورد تجاوز قرار گیرد، رجوع به دادگاه برای وی آزاد است و اگر صلاحیت رسیدگی مشخص نباشد، به دادگاه‌های عادی رجوع خواهد شد. مقررات این بند شامل جمله دوم بند (۲) از ماده ۱۰ نمی‌گردد.^۱

دوم- حکومت اتحادیه و حکومت ایالات

ماده ۲۰ (اصول بنیادی قانونی اساسی - حق مقاومت)

- ۱- جمهوری فدرال آلمان، دولت متحده سوسیال و دمکرات است.
- ۲- همه اقتدارات دولت ناشی از مردم است و به وسیله مردم از طریق انتخابات و دادن رأی و به واسطه سازمان‌های ویژه قانون‌گذاری، اجرایی و قضائی به مورد اجرا گذارده می‌شود.
- ۳- قوه قانون‌گذاری، پیرو نظام قانون اساسی، قوه مجریه و قضائیه محدود به قانون و عدالت خواهند بود.
- ۴- همه مردم آلمان، در برابر هر شخص یا اشخاصی که در صدد برانداختن نظام قانون اساسی برآیند و چاره‌ی دیگر نباشد، حق دارند ایستادگی کنند.

ماده ۲۱ (احزاب سیاسی)

- ۱- احزاب سیاسی در متشکل ساختن اراده سیاسی مردم، شرکت خواهند داشت و آزادانه تأسیس می‌شوند. سازمان داخلی آنان باید با اصول دمکراسی موافق باشد و باید منابع و جوه خود را به عیامه گزارش دهند.
- ۲- احزابی که مقاصد یا رفتار پیروان آنها، دلالت داشته باشد که در صدد برانداختن یا آسیب رساندن به اساس نظام دمکراسی آزاد یا به خطر انداختن هستی جمهوری فدرال آلمانند، خلاف قانون اساسی خواهند بود. دادگاه فدرال قانون اساسی، به موضوع خلاف قانون اساسی بودن حزب رأی خواهد داد.
- ۳- تفصیل آن را قوانین فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۲۲ (پرچم دولت فدرال)

پرچم دولت فدرال سیاه، سرخ، طلایی خواهد بود.

ماده ۲۳ (قلمرو قانون بنیادی)

در حال حاضر، این قانون بنیادی شامل قلمرو ایالات بادن،^۲ باواریا، برمن، برلن بزرگ، هامبورگ، هس، ساکسونی پایین، راین - وستفالیای شمالی، راین لند - پالاتینات، شلسویک - هالستین، ورتمبرگ بادن^۳ و ورتمبرگ - هوهنزلرن^۴ خواهد شد و در دیگر نواحی آلمان، به هنگام الحاق آنها، به مورد اجرا گذارده می‌شود.^۵

ماده ۲۴ (پیوستن به سازمان‌های امنیت دسته جمعی)

- ۱- اتحادیه می‌تواند، اقتدارات ناشی از حاکمیت را به موجب قانون به نهادهای بین‌المللی، واگذار نماید.
- ۲- برای حفظ صلح، اتحادیه می‌تواند به سازمان‌های امنیت دسته جمعی متقابل بپیوندد، بدین منظور با

۱- جلسه آخر به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است. (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۰).

۲- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است. (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۰).

۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۴ مه ۱۹۵۱ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۲۸۴)، ایالت بادن - ورتمبرگ از ایالات پیشین بادن ورتمبرگ - بادن و ورتمبرگ - هوهنزلرن جدا و احداث گردیده است.

۴ همان

۵ همان

۶- پس از این بنیادی مضاعف شد. قسمت ۱ از قانون فدرال مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۵۶ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۰۱۱) در سوابق آن، احزاب سوسیالیست و دیگر بخش‌های اتحادیه تسری یافته است.

محدودیت‌هایی بر حقوق ناشی از حاکمیت خود موافقت خواهد کرد تا نظامی همیشگی، صلح‌آمیز در اروپا و ملت‌های جهان برقرار و از آن محافظت شود.

۳- برای تصفیه مراعات میان دولت‌ها، اتحادیه با پیمان‌های داوری بین‌المللی، که عام، جامع و الزام‌آور باشد، موافقت خواهد کرد.

ماده ۲۵ (حقوق بین‌الملل، جزء مکمل حقوق فدرال است)

قواعد عام حقوق بین‌الملل عمومی جزء مکمل حقوق فدرال خواهد بود و بر دیگر قوانین مقدمند و بر ساکنان قلمرو دولت فدرال مستقیماً، منشأ حق و تکلیف خواهند بود.

ماده ۲۶ (تحریم جنگ تعرضی)

۱- اقداماتی که به تیره ساختن روابط صلح‌آمیز ملت‌ها بینجامد یا به چنین منظوری تعهد شود، به ویژه اگر مربوط به تدارک جنگ تعرضی باشد، مخالف قانون اساسی است و مستوجب مجازات خواهد بود.

۲- اسلحه‌هایی که در جنگ به کار رود، ساخته، حمل و نقل یا فروخته نخواهد شد مگر با اجازه دولت فدرال. تفصیل آن را قانون دولت فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۲۷ (ناوگان بازرگانی)

کشتی‌های بازرگانی آلمان، یک ناوگان بازرگانی تشکیل خواهند داد.

ماده ۲۸ (تضمین قوانین اساسی ایالات به وسیله حکومت فدرال)

۱- نظام قانون اساسی در ایالات باید با اصول حکومت جمهوری، دموکراتیک و سوسیال موافق بوده، بر حکومت قانون آن‌گونه که در این قانون بنیادی آمده است متکی باشد. نمایندگان مردم در هر یک از ایالات، استان‌ها و بخش‌ها به عهده هیئتی خواهد بود که در انتخابات عمومی، مستقیم، آزاد، مساوی و مخفی برگزیده می‌شوند. در بخش‌ها، مجلسی مرکب از ساکنان بخش، ممکن است جایگزین هیئت منتخب شود.

۲- به بخش‌ها تضمین داده می‌شود که به مسئولیت خود در تنظیم همه امور جامعه محلی، در محدوده مقرر به وسیله قانون، اقدام نمایند. اتحاد بخش‌ها با هم نیز، مطابق قانون و در محدوده وظایفی که قانون مقرر می‌دارد، حق حکومت به وسیله مردم است.

۳- اتحادیه، مراقبت خواهد کرد که نظام قانون اساسی در ایالات، با حقوق اساسی و همچنین با مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده موافق باشد.

ماده ۲۹ (تجدید سازمان قلمرو دولت فدرال)

۱- قلمرو دولت فدرال، به موجب قانون دولت فدرال، با در نظر گرفتن بستگی‌های محلی، روابط تاریخی و فرهنگی، مقتضیات اقتصادی و ساخت اجتماعی، تجدید سازمان خواهد یافت. در چنین تجدید سازمانی ایالت‌هایی تشکیل می‌شود که به لحاظ وسعت و ظرفیت، بتوانند وظایفی را که بر عهده آنان مقرر است، انجام دهند.

۲- نواحی که با تجدید سازمان ایالات پس از ۸ مه ۱۹۴۵، بدون «رای عموم اهالی»، به ایالتی دیگر پیوسته، می‌توانند تغییر قطعی مربوط به چنین پیوستگی را، ظرف مدت یک سال از تاریخ اجرای این قانون بنیادی، به «پیشنهاد مستقیم مردم»، درخواست نمایند. این «پیشنهاد مستقیم مردم» محتاج موافقت یک دهم تعداد اشخاصی است که در انتخابات مجلس قانون‌گذاری ایالت حق رأی دارند.

۱ به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ اوت ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۲۴۱).

۳- «هرگاه» پیشنهاد مستقیم مردم» به شرح مندرج در بند (۲) این ماده مورد موافقت قرار گیرد، تا پایان روز ۳۱ مارس ۱۹۵۷ در ناحیه مربوط و در ناحیه «بادن» از ایالت «بادن و تمبرگ» تا پایان روز ۳۰ ژوئن ۱۹۷۰، در مورد این که آیا پیشنهاد پیوستن به ایالتی دیگر تحقق پذیرد یا نه، به آرای عمومی (رفراندوم) گذارده خواهد شد. اگر پیوستن به ایالتی دیگر، با اکثریت آراء حداقل یک چهارم اشخاصی که در انتخابات مجلس قانون گذاری ایالت حق رأی دارند، تصویب شود، وضع ناحیه مربوط به لحاظ قلمرو، به موجب قانون فدرال ظرف مدت یک سال پس از مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) تثبیت و تنظیم خواهد شد. در مواقعی که چند ناحیه از یک ایالت، درخواست پیوستن به ایالتی دیگر نمایند، مقررات لازم در قانونی عمومی، پیش بینی خواهد شد.

۴- چنین قانونی فدرال، براساس نتیجه رفراندوم وضع خواهد شد، عدول از نتیجه رفراندوم فقط تا حدی که نیل به مقاصد تجدید سازمان مصرح در بند (۱) این ماده لازم باشد، امکان پذیر خواهد بود. تصویب این قانون محتاج موافقت اکثریت اعضای مجلس فدرال می باشد و هرگاه طی آن، جدا شدن ناحیه ای از یک ایالت و پیوستن آن به ایالتی دیگر پیش بینی شود که در رفراندوم مورد درخواست نبوده، در این صورت قانون محتاج تصویب در رفراندوم، در سراسر ناحیه ای است که مجزا می شود. این مقررات شامل موردی نخواهد شد که بر اثر جدا شدن نواحی از ایالتی موجود، مابقی نواحی همچنان به صورت ایالت باقی بمانند.

۵- هرگاه قانونی فدرال، در مورد تجدید سازمان قلمرو و دولت فدرال، با روشی غیر از آنچه که در بندهای (۲) تا (۴) این ماده پیش بینی شده، به تصویب رسد، در هر ناحیه ای که از یک ایالت مجزا و به ایالتی دیگر می پیوندد، نسبت به مقررات چنین قانونی، تا حدی که مربوط به همان ناحیه است، در همان ناحیه رفراندوم خواهد شد. هرگاه مقررات مزبور، حداقل در یکی از نواحی مربوط، پذیرفته نشود، بار دیگر در مجلس فدرال مطرح خواهد شد. هرگاه مجلس، مصوبه پیشین خود را تأیید کند، مقررات مذکور محتاج تصویب در رفراندوم، در سراسر قلمرو دولت فدرال خواهد بود.

۶- ملاک تصویب امری در رفراندوم، اکثریت آرای است که داده شده، مگر در مورد بند (۳) این ماده که به قدرت خود باقی است. آیین نامه مربوط در قانون فدرال پیش بینی خواهد شد. هرگاه بر اثر الحاق قسمتی دیگر از آلمان، تجدید سازمان لازم شود، چنین تجدید سازمانی ظرف دو سال از تاریخ الحاق مزبور پایان خواهد پذیرفت.

۷- آیین نامه مربوط به دیگر تغییرات در مرزهای ایالات، به موجب قانون فدرال خواهد بود که به تصویب شورای ایالات و اکثریت اعضای مجلس فدرال رسیده باشد.

ماده ۳۰ (وظایف ایالات)

اجرای اقتدارات حکومت و انجام وظایف حکومت، به عهده ایالات مقرر است. مگر آن که این قانون بنیادی به گونه ای دیگر مقرر داشته یا مجاز دانسته باشد.

ماده ۳۱ (تقدم قانون فدرال)

قانون فدرال حاکم بر قانون ایالت است.

۱. همان

۲. همان

۳. همان

۴. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ اوت ۱۹۴۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال»، بخش اول، صفحه (۱۲۴).

ماده ۳۲ (روابط خارجی)

- ۱- روابط با دولت های خارجی را اتحادیه رهبری خواهد کرد.
- ۲- عهدنامه ای که در وضع ویژه ایالتی مؤثر افتد، پیش از انعقاد آن، باید با آن ایالت مشورت و مهلت کافی داده شود.
- ۳- ایالت می تواند، در حدودی که اختیار قانون گذاری دارند، با موافقت دولت فدرال، به انعقاد عهدنامه با دولت های خارجی، مبادرت نمایند.

ماده ۳۳ (همه مردم آلمان از وضع سیاسی مساوی برخوردارند)

- ۱- هر آلمانی، در هر ایالتی حقوق و تکالیف سیاسی یکسان خواهد داشت.
- ۲- هر آلمانی، برای احراز هر یک از مشاغل عمومی، برحسب شایستگی، معلومات و موفقیت های حرفه ای خود، واجد شرایط مساوی خواهد بود.
- ۳- برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی، واجد شرط بودن برای احراز مشاغل عمومی و حقوقی که در ضمن خدمت عمومی به دست می آید، مطلق و مستقل از تعلق به فرقه مذهبی است. هیچ کس را نمی توان به خاطر پیوستن یا خودداری از پیوستن به فرقه ای یا به ایدئولوژی، از مزایایی محروم کرد.
- ۴- اجرای اختیارات دولت که وظیفه دائمی است، معمولاً به کارمندان خدمات عمومی که مقام، خدمت و وفاداری آنان تابع قانون عمومی است، واگذار خواهد شد.
- ۵- قانون خدمات عمومی، با رعایت اصول سنتی مربوط به خدمات حرفه ای کشور، تنظیم خواهد شد.

ماده ۳۴ (مسئولیت در صورت خطای اداری)

هرگاه شخصی، در انجام خدمت عمومی که به او واگذار گردیده، از حدود تعهدات رسمی خود در برابر شخص ثالث، تجاوز کند. مسئولیت جبران آن، اصولاً، با دولت یا مؤسسه عمومی است که او را استخدام کرده است. حق رجوع به کارمند در صورتی محفوظ خواهد بود که به عمد یا بی مبالاتی فاحش توأم باشد. در مورد دعوی جبران خسارت یا حق رجوع به کارمند، صلاحیت دادگاه های عادی نباید مستثنی شود.

ماده ۳۵ (مساعدت قضائی، اداری و پلیسی)

- ۱- صاحب منصبان دولت فدرال و ایالت همگی به یکدیگر مساعدت های قضائی و اداری خواهند کرد.
- ۲- به منظور حفظ امنیت و نظم یا برقراری مجدد آنها، ایالت می تواند، در مواردی که اهمیت ویژه داشته باشد، از «پاسداری مرزی فدرال» دعوت نماید، تا به پلیس ایالت کمک کند، مشروط به این که پلیس بدون کمک نتواند یا تنها با تحمل مشکلات زیاد بتواند، کار را خاتمه دهد. به منظور مقابله با بلاهای آسمانی یا حادثه ای به شدت سخت، ایالت می تواند از نیروهای پلیس دیگر ایالات یا نیروها یا وسایل دیگر مقامات اداری یا از «پاسداری مرزی فدرال» یا قوای مسلح کمک بخواهد.^۱
- ۳- هرگاه بلائی آسمانی یا حادثه، منطقه ای وسیع تر از یک ایالت را به خطر اندازد، دولت فدرال می تواند، تا جایی که برای مقابله مؤثر با چنان خطری لازم باشد، به دولت های ایالات دستور دهد که نیروهای پلیس خود را در اختیار ایالات دیگر بگذارد و همچنین می تواند به یگان های «پاسداری مرزی فدرال» یا قوای مسلح مأموریت دهد تا به پشتیبانی نیروهای پلیس بشتابند. اقداماتی که دولت فدرال، پیرو جمله اول این بند به عمل می آورد، در هر موقع بنا به درخواست شورای ایالات و در هر حال بدون تأخیر، پس از رفع خطر،

۱- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۰).
۲- به موجب قانون فدرال، مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۴ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۳۰۵).

باید موقوف گردد.

ماده ۳۶ (کارکنانی که در مقامات دولت فدرال انجام وظیفه می‌کنند)

۱- کارمندان کشوری که برای احراز عالیترین مقامات دولت فدرال به کار گمارده می‌شوند، از همه ایالات به نسبتی شایسته، استخدام خواهند شد. اشخاصی که در دیگر مقامات دولت فدرال به کار گمارده می‌شوند، قاعدتاً باید از ایالتی استخدام شوند که در آن خدمت می‌کنند.

۲- قوانین نظامی، تقسیم‌بندی اتحادیه را به ایالات و بستگی‌های منطقه‌ای اهالی آنها را، در ضمن، منظور خواهد داشت.

ماده ۳۷ (قدرت اجرایی فدرال)

۱- هرگاه ایالتی در انجام تعهدات خود که به موجب این قانون بنیادی یا دیگر قوانین فدرال وضع شده و دارای ماهیت فدرال است، قصور ورزد، دولت فدرال می‌تواند، با موافقت شورای ایالات و با قدرت اجرایی فدرال، اقدامات لازم جهت اجبار ایالت به انجام تعهدات خود، معمول دارد.

۲- در به کار بردن این قدرت اجرایی، حکومت فدرال یا نماینده آن، حق دارند به همه ایالات و صاحب‌منصبان آنها دستور صادر کنند.

سوم - مجلس فدرال (بوندستاگ)

ماده ۳۸ (انتخابات)

۱- نمایندگان مجلس فدرال آلمان در انتخابات عمومی، مستقیم، آزاد، مساوی و مخفی برگزیده می‌شوند و نمایندگان همه مردمند و موظف به انجام حکم و دستور نبوده، فقط تابع وجدان خود خواهند بود.

۲- هر کس به سن هجده سالگی رسیده باشد حق دارد رأی دهد، هر کس به سن بلوغ قانونی رسیده باشد، واجد شرط انتخاب شدن، خواهد بود.

۳- تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۳۹ (مجلس و دوره قانون‌گذاری)

۱- مجلس فدرال برای دوره چهارساله انتخاب می‌شود. دوره قانون‌گذاری آن چهار سال پس از نخستین جلسه یا با انحلال پایان می‌پذیرد. انتخاب تازه، در سه ماه آخر دوره قانون‌گذاری یا ظرف شصت روز پس از انحلال انجام خواهد گرفت.

۲- مجلس فدرال ظرف سی روز پس از انتخابات و به هر حال پس از پایان دوره قانون‌گذاری مجلس پیشین جلسه خود را تشکیل خواهد داد.

۳- مجلس فدرال، درباره پایان دادن به جلسات خود و شروع مجدد آن، تصمیم خواهد گرفت. رئیس مجلس فدرال می‌تواند، مجلس را پیش از موعد، به تشکیل جلسه دعوت نماید. هرگاه یک سوم اعضای مجلس یا رئیس جمهور فدرال یا صدراعظم فدرال درخواست کنند، رئیس مجلس مکلف به انجام دعوت مزبور خواهد بود.

ماده ۴۰ (رئیس مجلس، آیین‌نامه داخلی)

۱- مجلس فدرال، رئیس، نواب رئیس و منشیان خود را انتخاب و آیین‌نامه داخلی خود را تهیه و تنظیم،

۱- در مرتبه قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱).

خواهد کرد.

۲- رئیس مجلس، اختیارات مالک ملک و اقتدارات پلیس را در ساختمان مجلس به مورد اجرا می‌گذارد. هیچ بازرسی یا بازداشتی، بدون اجازه وی، در ساختمان و محوطه مجلس فدرال، صورت نخواهد گرفت.

ماده ۴۱ (رسیدگی به صحت انتخابات)

۱- رسیدگی به صحت انتخابات، مسئولیت مجلس فدرال است، همچنین در مورد عزل نماینده، تصمیم با مجلس فدرال خواهد بود.

۲- شکایت از این گونه تصمیمات مجلس فدرال را می‌توان به دادگاه قانون اساسی فدرال، برد.

۳- تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۴۲ (مذاکرات، رأی)

۱- جلسات مجلس فدرال علنی است، جلسات سری را به پیشنهاد یک دهم اعضای مجلس، یا به پیشنهاد دولت فدرال و تصویب اکثریت دو سوم اعضا می‌توان تشکیل داد. تصمیم در مورد پیشنهاد، در جلسه سری گرفته خواهد شد.

۲- تصمیمات مجلس فدرال، محتاج اکثریت آرای است که داده شده، مگر آن‌که این قانون بنیادی به گونه‌ای دیگر مقرر کرده باشد. آیین‌نامه داخلی، در مورد انتخاباتی که به وسیله مجلس فدرال صورت می‌گیرد، ممکن است استثناهایی بر قاعده مزبور مقرر دارد.

۳- گزارش‌های صحیح و دقیق از جلسه‌های علنی مجلس فدرال و کمیسیون‌های آن هیچ تعهدی پدید نمی‌آورد.

ماده ۴۳ (حضور اعضای دولت فدرال)

۱- مجلس فدرال و کمیسیون‌های آن می‌توانند، خواستار حضور هر عضوی از دولت فدرال شوند.

۲- اعضای شورای ایالات یا حکومت فدرال و همچنین اشخاصی که از سوی آنان نمایندگی دارند، در همه جلسات مجلس فدرال و کمیسیون‌های آن حق حضور داشته، در همه اوقات، باید سخن آنان استماع شود.

ماده ۴۴ (کمیسیون‌های بازجویی)

۱- مجلس فدرال حق دارد و در صورت پیشنهاد یک چهارم اعضای خود مکلف است، کمیسیون بازجویی تشکیل دهد. کمیسیون دلایل و مدارک و گواهی‌های لازم را در رسیدگی‌های علنی دریافت می‌دارد و ممکن است سری باشد.

۲- قواعد آیین دادرسی کیفری هنگام دریافت دلیل و مدرک و گواهی رعایت خواهد شد. مکاتبات و مخابرات محرمانه، از افشا مصون خواهد بود.

۳- وظیفه دادگاه‌ها و مقامات اداری است که مساعدت‌های قضائی و اداری به جا آورند.

۴- تصمیمات کمیسیون‌های بازجویی مورد رسیدگی قضائی قرار نخواهد گرفت. دادگاه‌ها مختارند، آنچه را که بازجویی براساس آنها به عمل آمده، ارزیابی کنند و به استناد آنها قضاوت کنند.

ماده ۴۵ (کمیسیون دائمی)

۱- مجلس فدرال، کمیسیونی دائمی تعیین خواهد کرد، تا در حفظ حقوق مجلس فدرال در برابر دولت فدرال، در فترت‌های میان دو دوره قانون‌گذاری، اهتمام ورزد. کمیسیون دائمی دارای حقوق کمیسیون بازجویی خواهد بود.

شورای ایالات بر عهده خواهد داشت که ایالت تعیین می‌کند. به این اعضا نمی‌توان دستور داد. تشکیل «کمیسیون مشترک» و روش کار آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب مجلس فدرال و موافقت شورای ایالات خواهد رسید.

۲- دولت فدرال باید «کمیسیون مشترک» را از برنامه‌های مربوط به وضع دفاع، مستحضر سازد. مقررات این بند در حقوق مجلس فدرال و کمیسیون‌های آن موضوع بند (۱) ماده ۴۳ اثری نخواهد داشت.

پنجم - رئیس جمهور فدرال

ماده ۵۴ (انتخاب به وسیله کنوانسیون فدرال)

۱- رئیس جمهور فدرال، بدون مباحثه، به وسیله «کنوانسیون فدرال» انتخاب خواهد شد. هر آلمانی که حق داشته باشد به داوطلبان عضویت مجلس فدرال رأی دهد و به سن چهل سالگی رسیده باشد، واجد شرط انتخاب شدن خواهد بود.

۲- دوره تصدی رئیس جمهور فدرال پنج سال است. تجدید انتخاب او برای دوره‌های متوالی، فقط یک بار مجاز است.

۳- «کنوانسیون فدرال» مرکب است از اعضای مجلس فدرال و به همان تعداد اعضای منتخب مجالس قانون‌گذاری ایالات، به تناسب جمعیت هر ایالت.

۴- «کنوانسیون فدرال» حداقل سی روز پیش از انقضای دوره تصدی ریاست جمهور فدرال، یا در صورت پایان یافتن پیش از موعد آن، حداکثر سی روز پس از آن تاریخ، تشکیل جلسه خواهد داد. دعوت برای تشکیل جلسه با رئیس جمهور فدرال، خواهد بود.

۵- پس از انقضای دوره قانون‌گذاری، دوره‌ای که در جمله اول بند (۴) این ماده مطرح است از نخستین جلسه مجلس فدرال، آغاز خواهد شد.

۶- شخصی که اکثریت آرای اعضای «کنوانسیون فدرال» را به دست آورد، انتخاب خواهد شد. هرگاه هیچ یک از نامزدان، با دو بار رأی‌گیری، چنین اکثریتی به دست نیاورند، هر نامزدی که در رأی‌گیری بعد، بیشترین تعداد آراء را به دست آورد، انتخاب خواهد شد.

۷- تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۵۵ (نداشتن شغل ثانوی)

۱- رئیس جمهور فدرال نمی‌تواند عضو دولت یا عضو قوه قانون‌گذاری اتحادیه یا ایالت، شود.

۲- رئیس جمهور فدرال به هیچ شغل موظف دیگر یا به کسب و تجارت و کاری دیگر اشتغال نخواهد یافت. هیچ حرفه‌ای را پیشه خود نخواهد ساخت، در مدیریت یا عضویت هیئت مدیره دستگاهی که هدفش جلب منفعت مادی باشد، وابسته نخواهد بود.

ماده ۵۶ (سوگند مربوط به مقام)

رئیس جمهور به هنگام پذیرفتن مقام مزبور، در جلسه مشترک اعضای مجلس فدرال و شورای ایالات به شرح زیر سوگند یاد خواهد کرد. «من سوگند می‌خورم که همه کوشش خود را برای رفاه مردم آلمان اختصاص دهم. بر منافع آن بیفزایم. زیان را از آن دور سازم، این قانون بنیادی و قوانین اتحادیه را تقویت و از آنها حمایت کنم. وظایف خود را به حکم وجدان انجام دهم و به همه کس به دادگری رفتار کنم. پروردگارا از

تو یاری می‌جویم». سوگند را می‌توان، بدون تصدیق به مذهبی، یاد کرد.

ماده ۵۷ (نماینده)

هرگاه رئیس جمهور فدرال از کار کردن باز ماند، یا مقام وی پیش از موعد بلامتصدی شود، اختیارات او به وسیله رئیس شورای ایالات به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۵۸ (تنفیذ امضاء)

احکام و فرامین رئیس جمهور فدرال، محتاج تنفیذ است که با امضای صدراعظم فدرال یا وزیر صلاحیتدار فدرال، پس از امضای رئیس جمهور تحقق خواهد یافت. این حکم شامل انتصاب و عزل صدراعظم فدرال، انحلال مجلس فدرال به موجب ماده ۶۳ و درخواست مندرج در بند (۳) ماده ۶۹ نخواهد بود.

ماده ۵۹ (اختیار نمایندگی اتحادیه، در روابط بین‌المللی)

۱- رئیس جمهور فدرال، نمایندگی اتحادیه را در روابط بین‌المللی بر عهده خواهد داشت. از طرف اتحادیه با دولت‌های خارجی، عهدنامه منعقد خواهد کرد. سفیر با استوارنامه اعزام و سفیران خارجی را خواهد پذیرفت.

۲- معاهداتی که روابط سیاسی اتحادیه را تنظیم، یا با امور قوه مقننه فدرال مربوط می‌شود در هر مورد، همچون قانون فدرال، محتاج موافقت یا شرکت هیئت‌های صلاحیتدار برای تصویب قانون فدرال خواهد بود. در مورد موافقتنامه‌های اداری، مقررات مربوط به امور اداری فدرال، با تغییرات لازم، شامل آنها خواهد شد.

ماده ۵۹ الف^۱

(نسخ شده است).

ماده ۶۰ (انتصاب مستخدمان و صاحب منصبان کشوری فدرال)

۱- رئیس جمهور فدرال، نصب و عزل دادرسان فدرال، مستخدمان و صاحب منصبان و درجه داران نظامی را بر عهده خواهد داشت، مگر آن‌که به موجب قانون، به گونه‌ای دیگر مقرر شده باشد.

۲- حق عفو خصوصی در مورد هر فرد از طرف اتحادیه، با او است.

۳- وی می‌تواند، این اختیارات را به دیگر مقامات واگذار نماید.

۴- رئیس جمهور فدرال مشمول بندهای (۲) تا (۴) ماده ۴۶ خواهد بود.

ماده ۶۱ (اعلام اتهام در دادگاه قانون اساسی فدرال)

۱- مجلس فدرال یا شورای ایالات می‌توانند، رئیس جمهور را به خاطر نقض عمدی این قانون بنیادی یا هر قانون دیگر فدرال، در برابر دادگاه قانون اساسی فدرال، متهم سازند. پیشنهاد طرح اتهام باید به وسیله حداقل یک چهارم اعضای مجلس فدرال یا یک چهارم آرای شورای ایالات، عنوان شود. تصمیم به متهم ساختن وی محتاج اکثریت دو سوم اعضای مجلس فدرال یا دو سوم آرای شورای ایالات خواهد بود. اثبات اتهام بر عهده کسی است که مرجع متهم کننده به وی مأموریت خواهد داد.

۲- هرگاه دادگاه قانون اساسی فدرال، رئیس جمهور فدرال را در نقض عمدی این قانون بنیادی یا هر قانون دیگر فدرال، بزهکار بشناسد، می‌تواند عزل او را اعلام کند. همچنین می‌تواند پس از متهم شدن وی با

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱) و سپس به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ نسخ گردید (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۱).

۲. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱).

صدور قرار موقت، رئیس جمهور فدرال را از اجرای وظایفش ممنوع سازد.

ششم - دولت فدرال

ماده ۶۲ (ترکیب)

دولت فدرال مرکب است از صدراعظم فدرال و وزیران فدرال.

ماده ۶۳ (انتخاب صدراعظم - انحلال مجلس فدرال)

- ۱- صدر اعظم فدرال، به پیشنهاد رئیس جمهور، در مجلس فدرال، بدون مباحثه، انتخاب خواهد شد.
- ۲- شخصی که اکثریت آرای اعضای مجلس فدرال را به دست آورد، انتخاب می شود. شخصی که انتخاب شده به وسیله رئیس جمهور فدرال، منصوب خواهد شد.
- ۳- هرگاه شخصی که پیشنهاد شده، انتخاب نگردد، در این صورت مجلس فدرال می تواند، ظرف مدت چهارده روز از تاریخ رأی گیری، با اکثریت بیش از نصف اعضای خود، صدر اعظم فدرال را انتخاب کند.
- ۴- هرگاه ظرف مدت مزبور، هیچ یک از نامزدها انتخاب نشود، رأی گیری تازه ای، بی درنگ انجام و این بار هر شخصی که بیشترین تعداد آرا را به دست آورد، انتخاب خواهد شد. هرگاه شخصی که انتخاب شده، اکثریت آرای اعضا مجلس فدرال را به دست آورده باشد، رئیس جمهور فدرال باید ظرف مدت هفت روز از تاریخ انتخاب، او را منصوب نماید. هرگاه شخصی که انتخاب شده، چنین اکثریتی به دست نیاورده باشد، رئیس جمهور باید، ظرف مدت هفت روز، یا او را منصوب، یا مجلس فدرال را منحل کند.

ماده ۶۴ (انتصاب وزیران فدرال)

- ۱- عزل و نصب وزیران فدرال به پیشنهاد صدراعظم فدرال با رئیس جمهور فدرال خواهد بود.
- ۲- صدراعظم فدرال و وزیران فدرال هنگام پذیرفتن مقام، سوگند مقرر در ماده ۵۶ را در برابر مجلس فدرال، یاد خواهند کرد.

ماده ۶۵ (تقسیم مسئولیت)

صدراعظم فدرال، خطوط کلی سیاست عمومی را تعیین و مسئول آن خواهد بود. هر یک از وزیران فدرال، در محدوده خطوط کئی مزبور، امور وزارتخانه خود را به استقلال و به مسئولیت خود، رهبری خواهد کرد. تصمیم گیری در اختلاف نظر میان وزیران فدرال با دولت فدرال خواهد بود. صدراعظم فدرال، امور دولت فدرال را، بر حسب آیین نامه ای که به وسیله دولت فدرال تنظیم و به تصویب رئیس جمهور فدرال می رسد، رهبری خواهد کرد.

ماده ۶۵ الف^۱ (فرماندهی قوای مسلح)

فرماندهی قوای مسلح به وزیر دفاع فدرال واگذار می شود.

ماده ۶۶ (نداشتن شغل ثانوی)

صدراعظم فدرال و وزیران فدرال، به هیچ شغل موظف دیگر یا به کسب و تجارت و کاری دیگر اشتغال نخواهند یافت، هیچ حرفه ای را پیشه خود نخواهند ساخت، در مدیریت و بدون موافقت مجلس فدرال، در هیئت مدیره دستگاهی که هدفش جلب منفعت مادی باشد، وابسته نخواهند بود.

ماده ۶۷ (رأی عدم اعتماد)

^۱ ماده موجد قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شد (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱) و سپس به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ اوت ۱۹۶۸، شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۱).

۱- مجلس فدرال فقط در صورتی می‌تواند به صدراعظم رأی عدم اعتماد دهد که جانشین او را با اکثریت اعضای خود انتخاب و عزل صدراعظم را از رئیس جمهور «درخواست» کند. رئیس جمهور فدرال باید این درخواست را بپذیرد و شخص انتخاب شده را منصوب نماید.

۲- میان «درخواست» و «انتخاب» باید چهل و هشت ساعت فاصله باشد.

ماده ۶۸ (رأی اعتماد - انحلال مجلس فدرال)

۱- هرگاه صدراعظم فدرال درخواست رأی اعتماد کند و مورد موافقت اکثریت اعضای مجلس فدرال قرار نگیرد. رئیس جمهور فدرال می‌تواند، به پیشنهاد صدراعظم، ظرف مدت بیست و یک روز، مجلس فدرال را منحل کند. حق انحلال در صورتی ساقط خواهد شد که مجلس فدرال با رأی اکثریت اعضای خود، صدراعظمی دیگر انتخاب نماید.

۲- میان درخواست و اخذ رأی، باید چهل و هشت ساعت فاصله باشد.

ماده ۶۹ (قائم مقام صدراعظم فدرال)

۱- صدراعظم فدرال، وزیری فدرال را به سمت قائم مقام خود، منصوب خواهد کرد.

۲- دوره تصدی صدراعظم فدرال و وزیر فدرال، در هر حال، با تشکیل نخستین جلسه مجلس تازه فدرال، به پایان می‌رسد. دوره تصدی وزیر فدرال، همچنین در هر مورد که دوره تصدی صدراعظم فدرال به پایان رسد، خاتمه می‌یابد.

۳- صدراعظم فدرال بنا به درخواست رئیس جمهور فدرال و وزیر فدرال بنا به درخواست صدراعظم فدرال یا رئیس جمهور فدرال، مکلفند، تا تعیین جانشین، به انجام وظایف خود، ادامه دهند.

هفتم - اقتدارات قانون‌گذاری اتحادیه

ماده ۷۰ (قانون‌گذاری اتحادیه و ایالات)

۱- ایالات حق دارند، در مواردی که اقتدارات قانون‌گذاری به موجب این قانون بنیادی به اتحادیه واگذار نگردیده، قانون وضع کنند.

۲- تقسیم صلاحیت میان اتحادیه و ایالات در خصوص اقتدارات قانون‌گذاری انحصاری و مشترک، به موجب این قانون بنیادی خواهد بود.

ماده ۷۱ (قانون‌گذاری انحصاری اتحادیه، تعریف)

در مواردی که اختیار قانون‌گذاری به طور انحصار با اتحادیه است، ایالات فقط در صورتی و تا حدی، اختیار وضع قانون خواهند داشت، که قانونی فدرال، به صراحت چنین اجازه‌ای به آنان داده باشد.

ماده ۷۲ (قانون‌گذاری مشترک اتحادیه، تعریف)

۱- در اموری که اختیار قانون‌گذاری راجع به آنها مشترک است، ایالات فقط در صورتی و تا حدی، اختیار وضع قانون خواهند داشت که اتحادیه حق قانون‌گذاری خود را به مورد اجرا نگذاشته باشد.

۲- در امور مزبور، اتحادیه تا حدی حق قانون‌گذاری خواهد داشت که به دلایل زیر، به وضع قانون به وسیله قانون‌گذار فدرال، نیاز باشد.

- امری که تنظیم آن، با قانون انفرادی ایالات، به گونه‌ای مؤثر، ممکن نباشد، یا

- وضع مقررات در امری با قانون ایالتی، به منافع دیگر ایالات یا همه مردم، زیان رساند، یا

- حفظ یگانگی حقوقی یا اقتصادی وضع چنین مقرراتی را ایجاب نماید، به ویژه اگر مربوط به یکسان داشتن شرایط زندگانی خارج از قلمرو یک ایالت باشد.

ماده ۷۳ (قانون‌گذاری انحصاری، فهرست)

در امور زیر، اتحادیه اختیار قانون‌گذاری انحصاری خواهد داشت.

۱- امور خارجه و همچنین دفاع به انضمام محافظت از مردم غیر نظامی.
۲- تابعیت اتحادیه.

۳- آزادی تغییر مکان، امور گذرنامه، مهاجرت، مهاجرت دسته جمعی و استرداد مجرمین.

۴- پول، اسکناس و سکه، اوزان و مقیاس‌ها و همچنین تعیین وقت قانونی.

۵- وحدت حقوق گمرکی و قلمرو بازرگانی، عهدنامه‌های بازرگانی و کشتیرانی، آزادی نقل و انتقال کالا و مبادنه کالا و پرداخت با کشورهای خارجی، به انضمام حقوق گمرکی و دیگر حمایت‌هایی که در مرزها انجام می‌شود.

۶- راه‌های آهن فدرال و حمل و نقل هوایی.

۷- خدمات پستی و مخابراتی.

۸- وضع حقوقی کسانی که به وسیله اتحادیه و به وسیله اشخاص حقوقی اتحادیه موضوع قانونی عمومی، استخدام می‌شوند.

۹- حقوق مالکیت صنعتی، حق چاپ و حقوق ناشران.

۱۰- همکاری اتحادیه و ایالات در امور:

الف- پلیس جنایی

ب- حفظ اساس نظام دموکراتیک آزاد و هستی و امنیت اتحادیه یا ایالت (حفظ قانون اساسی).

ج- جلوگیری از کوشش‌هایی که در قلمرو فدرال، با زور یا اقداماتی به منظور آمادگی جهت به کار بردن زور معمول و منافع خارجی جمهوری فدرال آلمان را به خطر اندازد.

همچنین تأسیس دژره پلیس جنایی فدرال و کنترل بین‌المللی جرایم.

۱۱- آمارگیری برای مقاصد فدرال.

ماده ۷۴ (قانون‌گذاری مشترک، فهرست)

اختیارات قانون‌گذاری مشترک شامل امور زیر خواهد بود:

۱- قانون مدنی، قانون جزا و اجرای احکام محکومیت، سازمان و آیین دادرسی دادگاه‌ها، حرفه وکالت، دفاتر اسناد رسمی و مشاوره قضایی.

۲- ثبت تولد، مرگ و ازدواج

۳- قانون تشکیل شرکت‌ها و انجمن‌ها و اجتماعات

۴- قانون راجع به اقامت و اسکان بیگانگان

۴-الف- قانون مربوط به اسلحه

۱- به موجب قوانین فدرال مورخ ۲۶ مارس ۱۹۵۴ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۴۵) و ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۷۱) اصلاح شده است.

۲- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۲ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۳۰۵).

۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۲ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۳۰۵).

- ۵- جلوگیری از انتقال گنج‌های فرهنگی آلمان به خارج
- ۶- امور پناهندگان و اخراجیان از کشور
- ۷- رفاه عمومی
- ۸- تابعیت ایالات
- ۹- خسارت ناشی از جنگ و جبران آن
- ۱۰- مزایای اشخاص معلول در جنگ و بازماندگان کسانی که در جنگ کشته شده‌اند و همچنین کمک به زندانیان سابق جنگ
- ۱۰- الف^۲- گورستان سربازان جنگ، گورستان دیگر قربانیان جنگ و قربانیان حکومت استبدادی.
- ۱۱- قانون مربوط به امور اقتصادی (معادن، صنایع، تدارک نیرو، پیشه، کسب، بازرگانی، بانکداری، بورس و بیمه شخصی)
- ۱۱- الف^۳- تولید و به کار بردن انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، ساختن و بهره‌برداری از دستگاه‌هایی که برای این منظور سودمند باشد، جلوگیری از حوادث ناشی از آزاد شدن انرژی هسته‌ای یا «یونیزه» شدن تشعشعات و تعیین تکلیف مواد رادیواکتیو
- ۱۲- قانون کار. مشتمل بر سازمان حقوقی دستگاه‌های تولیدی، حفاظت کارگران، مراکز مبادله مستخدمین و نمایندگی‌های استخدام و همچنین بیمه‌های اجتماعی متضمن بیمه بیکاری
- ۱۳- مقررات مربوط به کمک هزینه‌های تحصیلی و کارآموزی و ترویج تحقیقات علمی
- ۱۴- قانون استهلاك برای مقاصد عمومی، تا آنجا که با امور مندرج در مواد ۷۳ و ۷۴ مربوط باشد.
- ۱۵- انتقال زمین. منابع طبیعی و وسایل تولید به مالکیت عمومی یا صور دیگر اقتصادی با نظارت عمومی
- ۱۶- جلوگیری از ضایع کردن توان اقتصادی
- ۱۷- ترویج تولیدات کشاورزی و جنگلی، بهداشت مواد غذایی، ورود و صدور فرآورده‌های کشاورزی و جنگلی، ماهیگیری در دریاها، ژرف و سواحل و حفاظت از سواحل
- ۱۸- معاملات اموال غیر منقول. قانون مربوط به اراضی و اجاره در امور کشاورزی و همچنین خانه‌سازی و امور شهرک‌ها و خانه‌های رعیتی
- ۱۹- اقدام علیه بیماری‌های انسانی و حیوانی که واگیر یا به جهاتی دیگر برای بهداشت عمومی خطرناکند، پذیرش اشخاص به حرفه پزشکی و مشاغل یا پیشه‌های بهداشتی و همچنین کسب و تجارت داروهای علاج‌بخش، مخدر و سمی
- ۱۹- الف^۴- ادامه حیات اقتصادی بیمارستان‌ها و مقررات مربوط به حق الزحمه بیمار داری.
- ۲۰- محافظت و مراقبت در فروش مواد غذایی، نوشابه، تنباکو، لوازم زندگی، علوفه، دانه و تخم و نشای کشاورزی و جنگلی و حفظ گیاهان از بیماری‌ها و آفات و همچنین حفظ حیوانات
- ۲۱- کشتیرانی در اقیانوس و سواحل و همچنین کمک به دریانوردی و کشتیرانی داخلی، خدمات

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۶۵ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۵۱۳).

۲. همان.

۳. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۵۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۸۱۳).

۴. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۶۳).

۵. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۶۳).

۶. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ مارس ۱۹۷۱ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۲۰۷).

- هواشناسی، راه‌های دریایی و راه‌های آبی داخلی که برای عبور و مرور عمومی به کار می‌روند.
- ۲۲- عبور و مرور در جاده‌ها، حمل و نقل موتوری، ساختن و نگه‌داری بزرگ‌راه‌های طولانی و همچنین جمع‌آوری هزینه استفاده و سایل نقلیه از بزرگ‌راه‌های عمومی و تخصیص درآمد حاصل از آنها.
- ۲۳- راه‌های آهن غیر فدرال، به استثنای راه‌های آهن در نواحی کوهستانی
- ۲۴- مصرف ضایعات، جلوگیری از آلودگی هوا و مبارزه با سر و صدا

ماده ۷۴ الف^۳ (گسترش صلاحیت اتحادیه به جدول‌های دستمزد)

- ۱- قانون‌گذاری مشترک باز هم گسترش یافته شامل جدول‌های دستمزد و حقوق بازنشستگی کارکنان خدمات عمومی که خدمت و وظیفه‌شناسی آنان تابع مقررات قانون عمومی است نیز خواهد شد، مگر آنچه که اتحادیه پیر و جزء ۸ ماده ۷۳ اختیار قانون‌گذاری انحصاری دارد.
- ۲- قوانین فدرال که پیر و بند (۱) این ماده به تصویب می‌رسد محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود.
- ۳- قوانین فدرال که پیر و جزء ۸ ماده ۷۳ به تصویب می‌رسد نیز در صورتی محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود که درباره پایه و نحوه محاسبه جدول‌های دستمزد و حقوق بازنشستگی و ارزیابی مشاغل و معیارها یا حداقل یا حداکثر نرخ‌ها باشد به استثنای آنچه که قانون فدرال پیر و بند (۱) این ماده مقرر می‌دارد.
- ۴- بندهای (۱) و (۲) این ماده شامل جداول حقوق و حقوق بازنشستگی دادرسان ایالات می‌گردد. بند (۳) این ماده شامل قوانینی که پیر و بند (۱) ماده ۹۸ به تصویب می‌رسد نیز خواهد شد.

ماده ۷۵^۴ (وضع مقررات عمومی به وسیله اتحادیه، فهرست)

اتحادیه، با رعایت شرایط مقرر در ماده ۷۲، حق دارد درباره اصول اساسی مربوط به موارد زیر قانون وضع کند:

- ۱- وضع حقوقی اشخاصی که در خدمت عمومی ایالات، نواحی یا دیگر مؤسساتی هستند که حسب قانون عمومی شخصیت حقوقی دارند. به استثنای آنچه که به موجب ماده ۷۴ الف به گونه‌ای دیگر مقرر شده است.
- ۱- الف^۵ - اصول کلی حاکم بر آموزش عالی
- ۲- وضع کلی حقوقی مضوعات و صنعت فیلم
- ۳- شکار، حفاظت از طبیعت و مراقبت از حومه شهر
- ۴- تقسیم و توزیع زمین، طرح ریزی منطقه‌ای و اداره امور آب
- ۵- امور مربوط به ثبت تغییر محل سکونت یا اقامتگاه و شناسنامه

ماده ۷۶ (لوائح و طرح‌ها)

- ۱- لوائح و طرح‌ها، به وسیله دولت فدرال یا به وسیله اعضای مجلس فدرال یا به وسیله شورای ایالات، به مجلس فدرال تقدیم خواهد شد.
- ۲- لوائح دولت فدرال، نخست، به شورای ایالات تقدیم می‌شود. شورای ایالات حق دارد موضع خود را

۱- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۶۳).

۲- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۷۲ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۵۹۳).

۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ مارس ۱۹۷۱ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۲۰۶).

۴- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۶۳).

۵- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ مارس ۱۹۷۱ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۲۰۶).

۶- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۶۳).

۷- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۸۷).

نسبت به این گونه لوایح، ظرف مدت شش هفته، اظهار دارد. لایحه‌ای که به طور استثنایی، به عنوان این که فوریت ویژه دارد، به وسیله دولت فدرال، به شورای ایالات تقدیم می‌گردد، ممکن است سه هفته بعد به وسیله دولت فدرال، به مجلس فدرال تقدیم شود، هر چند که دولت فدرال، هنوز شرح مربوط به موضوع شورای ایالات را دریافت نکرده باشد، لیکن شرح مزبور، به مجرد وصول و بدون تأخیر به وسیله دولت فدرال، به مجلس ایالات تقدیم خواهد شد.

۳- ا طرح‌های شورای ایالات. ظرف مدت سه ماه، به وسیله دولت فدرال به مجلس فدرال تقدیم خواهد شد. در این ضمن دولت فدرال باید نظر خود را اعلام دارد.

ماده ۷۷ (روش اقدام در مورد لوایح یا طرح‌های مصوب - اعتراض شورای ایالات)

۱- برای آن که طرح یا لایحه‌ای قانون فدرال شود، محتاج تصویب مجلس فدرال خواهد بود و به مجرد تصویب، بدون تأخیر به وسیله رئیس مجلس فدرال، به شورای ایالات فرستاده خواهد شد.

۲- شورای ایالات می‌تواند، ظرف مدت سه هفته از تاریخ دریافت لایحه یا طرح مصوب، خواستار شود، کمیسیونی جهت رسیدگی مشترک به لایحه یا طرح، مرکب از اعضای مجلس فدرال و اعضای شورای ایالات، برای تشکیل جلسه دعوت شود. ترکیب و روش کار کمیته مزبور به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب مجلس فدرال و موافقت شورای ایالات خواهد رسید. به اعضای شورای ایالات که در این کمیته عضویت دارند، نمی‌توان دستور داد. در هر مورد که طرح یا لایحه‌ای، برای مبدل شدن به قانون، محتاج موافقت شورای ایالات باشد، مجلس فدرال یا دولت فدرال نیز می‌توانند، خواستار دعوت این کمیسیون، برای تشکیل جلسه شوند. هرگاه کمیسیون پیشنهاد کند که طرح یا لایحه مصوب اصلاح شود، مجلس فدرال باید دوباره به لایحه یا طرح رأی دهد.

۳- در مواردی که برای مبدل شدن طرح یا لایحه‌ای به قانون به موافقت شورای ایالات نیاز نباشد، شورای ایالات می‌تواند، پس از پایان اقدامات موضوع بند (۲) این ماده، ظرف مدت دو هفته، به طرح یا لایحه مصوب مجلس فدرال، اعتراض نماید. شروع مدت مزبور، در مورد جمله آخر بند (۲) این ماده، از تاریخ دریافت لایحه یا طرحی است که به تصویب مجدد مجلس فدرال رسیده و در دیگر موارد از تاریخ دریافت ابلاغ رئیس کمیسیون مندرج در بند (۲) این ماده خواهد بود، حاکی از این که اقدامات کمیسیون پایان پذیرفته است.

۴- هرگاه اعتراض، با موافقت اکثریت آرای شورای ایالات بوده، رد و بی‌اثر شدن آن با تصمیم اکثریت اعضای مجلس فدرال امکان‌پذیر خواهد بود. هرگاه اعتراض، با موافقت حداقل دو سوم آرای شورای ایالات بوده، رد و بی‌اثر ساختن آن محتاج اکثریت دو سوم آراء داده شده خواهد بود مشروط به این که حداقل اکثریت اعضای مجلس فدرال را در برداشته باشد.

ماده ۷۸ (شرایط تصویب قوانین فدرال)

طرح یا لایحه‌ای که به تصویب مجلس فدرال رسیده، قانون خواهد بود مشروط به این که شورای ایالات با آن موافقت کند. یا درخواستی پیر و بند (۲) ماده ۷۷ ننماید، یا ظرف مدت مصرح در بند (۳) ماده ۷۷ اعتراض نکند، یا اگر چنین اعتراضی کرده آن را مسترد دارد، یا آن که اعتراض به وسیله مجلس فدرال رد و بی‌اثر شود.

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۸۱۷).
۲. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۶۸ اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۷۷).
۳. همان

ماده ۷۹ (تجدیدنظر در قانون بنیادی)

۱- این قانون بنیادی فقط با قوانینی که متن آن را به صراحت اصلاح یا تکمیل نماید، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. در مورد معاهدات بین‌المللی که موضوع آنها، استقرار صلح، یا تهیه مقدمات استقرار صلح، یا لغای رژیم اشغال یا متضمن طرحی سودمند برای دفاع از جمهوری فدرال باشد، توضیح داده خواهد شد که مقررات این قانون بنیادی مانع انعقاد و اجرای این گونه معاهدات نیست و همین توضیح برای اصلاح این قانون بنیادی، کافی است.^۱

۲- هر قانونی از این قبیل محتاج رأی موافق دو سوم اعضای مجلس فدرال و دو سوم آرای شورای ایالات خواهد بود.

۳- تجدیدنظر در این قانون بنیادی به گونه‌ای که در تقسیم «اتحادیه» به ایالات، اصل مشارکت ایالات در قانون‌گذاری، یا اصول اساسی مندرج در مواد ۱ تا ۱۰۲، مؤثر افتد پذیرفتنی نیست.

ماده ۸۰ (صدور فرامینی که قدرت قانون دارند)

۱- به دولت فدرال یا وزیر فدرال یا دولت ایالت می‌توان، به موجب قانون، اجازه و اختیار داد که به صدور فرامین مبادرت ورزند. این فرامین دارای قدرت قانون خواهند بود. محتوا، مقصود و حدود این اجازه و اختیار که بدینسان واگذار می‌شود، باید در قانون تصریح گردد. این مستند حقوقی، باید در فرمان قید شود. هرگاه در قانون پیش‌بینی شده باشد که اجازه و اختیار مزبور قابل تفویض است، در این صورت تفویض آن محتاج فرمانی دیگر خواهد بود که قدرت قانون داشته باشد.

۲- فرامینی که دارای قدرت قانون بوده، به وسیله دولت فدرال یا وزیر فدرال صادر و راجع به قواعد اساسی استفاده از وسایل راه‌های آهن فدرال و خدمات پستی و مخابراتی یا بهای آنها، یا مربوط به ساختن و بهره‌برداری از راه‌های آهن و همچنین اگر درخصوص فرامینی باشد که قدرت قانون داشته پیر و قوانین فدرال صادر و محتاج موافقت شورای ایالات بوده، یا آن‌که اجرای آنها را ایالات به نمایندگی اتحادیه بر عهده داشته یا این‌که مربوط به خود آنان باشد. در همه موارد مزبور، موافقت شورای ایالات ضروری است، مگر آن‌که قانون فدرال، خلاف آن را مقرر کرده باشد.

ماده ۸۰ الف (حالت تیرگی روابط)

۱- در هر مورد که در این قانون بنیادی یا قانون فدرال که موضوع آن دفاع و حفاظت از مردم غیر نظامی است، تصریح شده باشد که مستند قانونی آنها ماده حاضر است، در این صورت اجرای آن به استثنای مواقعی که حالت دفاع باشد، فقط هنگامی مجاز است که مجلس فدرال حکم کند که «حالت تیرگی روابط» وجود دارد یا آن‌که اجرای آنها را صریحاً تصویب کند. درخصوص موارد مندرج در جمله نخست بند (۵) و جمله دوم بند (۶) ماده ۱۲ الف، تصویب «حالت تیرگی روابط» و همچنین تصریح به اجرای مقررات قوانین مزبور، محتاج اکثریت آرایبی است که داده شده است.

۲- هر اقدامی به استناد مقررات قوانین مزبور و بند (۱) این ماده به عمل آید، همین که مجلس فدرال درخواست کند، موقوف خواهد شد.

۳- نقض بند (۱) این ماده و قوانین مزبور همچنان در صورتی مجاز است که به استناد یا مطابق تصمیمی باشد که با موافقت دولت فدرال، به وسیله سازمانی بین‌المللی در قالب عهدنامه اتفاق یا اتحاد گرفته شده باشد. هر

۱. جمله دوم به موجب قانون فدرال مورخ ۲۶ مارس ۱۹۵۴ افزوده شده است. ارجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۴۵.
۲. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است. ارجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۱.

اقدامی که پیرو این بند به عمل آید، همین که مجلس فدرال با اکثریت اعضای خود، درخواست کند، موقوف خواهد شد.

ماده ۸۱ (حالت قانون‌گذاری فوق‌العاده)

۱- هرگاه با پیشامدهای موضوع ماده ۶۸، مجلس فدرال منحل نشود، رئیس جمهور فدرال می‌تواند، بنا به درخواست دولت فدرال و با موافقت شورای ایالات، در مورد لایحه‌ای که دولت فدرال آن را فوری اعلام و با وجود این مجلس فدرال آن را رد کرده است، حالت قانون‌گذاری فوق‌العاده اعلام کند. همین حکم در موردی نیز جاری است که لایحه‌ای، با این که صدراعظم فدرال آن را با رأی اعتماد موضوع ماده ۶۸ توأم کرده، رد شود.

۲- هرگاه بعد از اعلام حالت قانون‌گذاری فوق‌العاده، مجلس فدرال دوباره لایحه را رد کند یا آن را به شرحی که مورد قبول دولت فدرال نیست، تصویب نماید، در این صورت لایحه مزبور تا حدودی که شورای ایالات، با آن موافقت کند، قانون تلقی خواهد شد. همین حکم در موردی نیز جاری است که لایحه‌ای ظرف مدت چهار هفته از تاریخ تقدیم مجدد آن، در مجلس فدرال به تصویب نرسد.

۳- در دوره تصدی هر صدراعظم، هر لایحه‌ای دیگر که مجلس فدرال رد کند، مطابق بندهای (۱) و (۲) این ماده، ظرف مدت شش ماه از تاریخ اعلام حالت قانون‌گذاری فوق‌العاده، قانون خواهد شد. پس از سپری شدن این دوره، اعلام مجدد حالت قانون‌گذاری فوق‌العاده، در دوره تصدی همان صدراعظم، جایز نخواهد بود.

۴- این قانون بنیادی را نمی‌توان، کلی یا جزئی، به موجب قانونی که پیرو بند (۲) این ماده وضع می‌شود، مورد تجدیدنظر قرارداد یا نسخ کرد یا اجرای آن را معلق نمود.

ماده ۸۲ (انتشار و تاریخ لازم‌الاجرا شدن قوانین)

۱- قوانینی که بر حسب مقررات این قانون بنیادی به تصویب می‌رسد، پس از آن که امضای آن گواهی شد، به وسیله رئیس جمهور توشیح و در «مجله حقوقی فدرال» منتشر خواهد شد. فرامینی که قدرت قانون دارند، به وسیله نماینده اداره‌ای که آنها را صادر کرده است امضا و هرگاه قانون به گونه‌ای دیگر مقرر نداشته باشد، در «مجله حقوقی فدرال» منتشر خواهد شد.

۲- در هر قانون، یا هر فرمائی که دارای قدرت قانون است، تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن تصریح می‌گردد. در صورت فقدان شرط مذکور، در چهاردهمین روز، پس از پایان روزی که «مجله حقوقی فدرال» آن را چاپ و منتشر کرده، لازم‌الاجرا خواهد شد.

هشتم - اجرای قوانین فدرال و امور اداری فدرال

ماده ۸۳ (اجرای قوانین فدرال به وسیله ایالات)

ایالات، قوانین فدرال را همچون امور خود، به مورد اجرا خواهند گذارد، مگر آن که این قانون بنیادی به گونه‌ای دیگر مقرر یا مجاز نموده باشد.

ماده ۸۴ (اجرا به وسیله ایالت و نظارت دولت فدرال)

۱- در مواردی که ایالات، قانون فدرال را همچون امور خود، اجرا می‌کنند، مراجع لازم را تعیین و آیین‌نامه اجرایی آن را تصویب خواهند کرد، مگر آن که قوانین فدرال که به تصویب شورای ایالات رسیده، به گونه‌ای

دیگر مقرر داشته باشد.

۲- دولت فدرال می‌تواند، با موافقت شورای ایالات، به صدور قواعد کلی مربوط به اداره امور مبادرت ورزد.

۳- دولت فدرال برای آن‌که اطمینان حاصل کند که ایالات، قوانین فدرال را مطابق قانون مربوط اجرا می‌نمایند، می‌تواند نمایندگانی به عالی‌ترین مقام ایالت اعزام و با موافقت مقام مذکور، یا اگر چنین موافقتی دست ندهد، با موافقت شورای ایالات، نمایندگانی به مقامات زیر دست آنان نیز اعزام دارد.

۴- هرگاه دولت فدرال دریابد که در سالی‌هایی در اجرای قوانین فدرال در ایالات، رخ داده و اصلاح نگردیده، شورای ایالات به درخواست دولت فدرال یا ایالت مربوط رسیدگی و رأی خواهد داد که آیا ایالت از حدود قانون مزبور تخلف کرده است یا نه. از حکم شورای ایالات می‌توان به دادگاه قانون اساسی فدرال، شکایت برد.

۵- به منظور اجرای قوانین فدرال می‌توان، به موجب قانونی فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، به دولت فدرال اجازه و اختیار داد تا در موارد خاص به صدور دستورالعمل‌های اختصاصی مبادرت ورزد. عنوان دستورالعمل‌های مزبور خطاب به عالی‌ترین مقام ایالت خواهد بود، مگر آن‌که دولت فدرال مورد را فوری تشخیص دهد.

ماده ۸۵ (اجرای قوانین به وسیله ایالات، به نمایندگی اتحادیه)

۱- در مواردی که ایالات، قوانین فدرال را به نمایندگی اتحادیه اجرا می‌کنند، تعیین مراجع لازم همچنان با ایالات خواهد بود، مگر آن‌که قوانین فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده، به گونه‌ای دیگر مقرر داشته باشد.

۲- دولت فدرال می‌تواند، با موافقت شورای ایالات، درباره امور اداری مربوط، قواعد کلی صادر کند و می‌تواند برای آموزش یکسان مستخدمین کشوری و دیگر مستخدمین عمومی حقوق‌بگیر، مقرراتی وضع نماید. انتصاب رؤسای مقامات سطح میانه، با موافقت دولت فدرال خواهد بود.

۳- مقامات ایالت از دستورالعمل‌های عالی‌ترین مقام صلاحیتدار فدرال، پیروی خواهند کرد. عنوان دستورالعمل‌های مزبور خطاب به عالی‌ترین مقام ایالت خواهد بود، مگر آن‌که حکومت فدرال مورد را فوری تشخیص دهد. عالی‌ترین مقام ایالت، در اجرای دستورالعمل‌ها، مراقبت خواهد کرد.

۴- دولت فدرال بر انطباق مورد با قانون و شایسته بودن نحوه اجرا نظارت خواهد داشت. دولت فدرال می‌تواند، بدین منظور، بخواهد که گزارش و مدارک به وی تسلیم کنند و خود نمایندگانی به همه مقامات اعزام دارد.

ماده ۸۶ (اجرای مستقیم به وسیله دولت فدرال)

در مواردی که «اتحادیه» قوانین را مستقیماً به وسیله امور اداری فدرال یا به وسیله هیئت‌های دارای شخصیت حقوقی یا نهادهای مشمول حقوق عمومی، اجرا می‌کند، مادام که قانون مربوط شرط ویژه‌ای مقرر نداشته، به صدور قواعد کلی مربوط به اداره امور مبادرت خواهد ورزید. دولت فدرال مراجع لازم برای اجرای آن را معین خواهد کرد، مگر آن‌که قانون مربوط به گونه‌ای دیگر مقرر داشته باشد.

ماده ۸۷^۱ (اموری که مستقیماً به وسیله دولت فدرال اجرا می‌شود)

۱- امور خارجه. امور مالی فدرال، راه‌های آهن فدرال، خدمات پستی فدرال و مطابق مقررات ماده ۸۹، امور آب‌راه‌های فدرال و همچنین کشتیرانی، مانند اموری که مدیریت آنها مستقیم، با دولت فدرال است، اداره و هر کدام سازمان اداری تابع خود را خواهد داشت.^۲

مراجع حفاظت از مرزهای فدرال و همچنین ادارات مرکزی اطلاعات و خبررسانی‌های پلیس که برای پلیس جنایی اطلاعات گردآوری می‌کنند و به منظور حفظ قانون اساسی و جلوگیری از ارتکاب اعمالی در قلمرو فدرال با توسل به زور یا فعالیت‌هایی که مقدمه توسل به زور بوده، مصالح خارجی جمهوری فدرال آلمان را به مخاطره اندازند، ممکن است به موجب قانون فدرال تشکیل داد.

۲- نهادهای بیمه‌های اجتماعی که صلاحیت آنها از قلمرو یک ایالت تجاوز کند، مانند هیئت‌های دارای شخصیت حقوقی تابع حقوق عمومی، اداره خواهند شد.

۳- علاوه بر این، مراجع عالی‌تر خودمختار فدرال و همچنین هیئت‌های دارای شخصیت حقوقی و نهادهای مشمول حقوق عمومی را می‌توان به موجب قانون فدرال، برای اموری که «اتحادیه» در آنها اختیار قانون‌گذاری دارد، تشکیل داد. هرگاه وظایفی تازه در اموری پیش‌آید که «اتحادیه» در آنها اختیار قانون‌گذاری دارد، مراجع فدرال در سطوح میانه و پایین‌تر در صورتی می‌توان تشکیل داد که نیاز فوری بوده و شورای ایالات و اکثریت اعضای مجلس فدرال با آن موافقت کرده باشند.

ماده ۸۷ الف^۳ (تشکیل قوای مسلح، نیرو، موارد استفاده و وظایف آن)

۱- «اتحادیه» برای مقاصد دفاعی، به تشکیل قوای مسلح اقدام خواهد کرد. نیروی آن به لحاظ شماره و استخوان‌بندی سازمان کلی آن، در بودجه نشان داده خواهد شد.

۲- استفاده از قوای مسلح، جز به منظور دفاع، فقط در مواردی امکان‌پذیر است که این قانون بنیادی به صراحت اجازه دهد.

۳- هر موقع که حالت دفاع یا حالت تیرگی روابط پدید آید، قوای مسلح اختیار خواهد داشت از اموال غیر نظامیان حفاظت کند و تا حدودی که برای انجام مأموریت دفاعی لازم است، وظایف کنترل عبور و مرور را به عهده گیرد. علاوه بر این، همین که حالت دفاع یا حالت تیرگی روابط پدید آید، می‌توان حفاظت اموال غیر نظامیان را به منظور پشتیبانی از اقدامات پلیس، به قوای مسلح سپرد، در این صورت، قوای مسلح با مقامات صلاحیتدار، همکاری خواهد کرد.

۴- برای دفع هر خطر قریب‌الوقوع به هستی، یا به اساس نظام دموکراتیک آزاد «اتحادیه» یا ایالت، حکومت فدرال می‌تواند، در صورت وجود شرایط پیش‌بینی شده در بند (۲) ماده ۹۱ و کافی نبودن نیروهای پلیس و پاسداران مرزی فدرال، از قوای مسلح در حفاظت از اموال غیر نظامیان یا مبارزه با شورش‌های مسلحانه نظامی سازمان یافته، استفاده کند. این گونه استفاده از قوای مسلح، به مجرد درخواست مجلس فدرال یا شورای ایالات، موقوف خواهد شد.

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شد (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱) و سپس به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۱).

۲. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۲ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۳۰۵).

۳. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱).

ماده ۸۷ ب^۱ (اداره امور قوای مسلح)

۱- امور قوای مسلح فدرال، مانند اموری که مدیریت آنها، مستقیم، با دولت فدرال است، به وسیله سازمان اداری تابع دولت فدرال اداره خواهد شد. وظیفه آن، اداره امور پرسنل و برآوردن مستقیم نیازهای مادی قوای مسلح، خواهد بود. اقدامات مربوط به جبران خسارات زیان دیدگان یا کارهای ساختمانی به اداره امور قوای مسلح فدرال، ارجاع نخواهد شد، مگر به موجب قانون فدرال و با موافقت شورای ایالات. این موافقت همچنین در هر مورد که قانونی به اداره امور قوای مسلح فدرال، اجازه مداخله در حقوق اشخاص ثالث را بدهد، نیز لازم خواهد بود. این حکم، به هر حال، شامل قوانین مربوط به پرسنل نخواهد بود.

۲- علاوه بر این، در قوانین فدرال که مربوط به دفاع است و همچنین سربازگیری برای خدمت نظام و حفاظت از مرز غیر نظامی، می توان با موافقت شورای ایالات، پیش بینی کرد که اجرای آنها، کلاً یا بعضاً مانند اموری که مدیریت آنها، مستقیم یا حکومت فدرال است به وسیله سازمان تابع آن، یا به وسیله ایالات به نمایندگی «اتحادیه» انجام گیرد. هرگاه چنین قوانینی به وسیله ایالات به نمایندگی «اتحادیه» اجرا شود، می توان، با موافقت شورای ایالات در آنها پیش بینی کرد که اختیاراتی که به موجب ماده ۸۵ به دولت فدرال یا عالی ترین مقام صلاحیتدار فدرال واگذار شده، کلاً یا بعضاً، به مقامات عالی فدرال منتقل شود، در این صورت می توان، به موجب قانون، مقرر داشت که مقامات اخیر در صدور قواعد کلی مربوط به اداره امور مندرج در جمله نخستین بند (۲) ماده ۸۵، نیازی به موافقت شورای ایالات نخواهند داشت.

ماده ۸۷ ج^۲ (تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای)

در قوانینی که حسب شماره ۱۱ الف ماده ۷۴، با موافقت شورای ایالات، به تصویب می رسد، می توان پیش بینی کرد که اجرای آنها در ایالات به نمایندگی «اتحادیه» بر عهده گیرند.

ماده ۸۷ د^۳ (اداره امور هواپیمایی)

۱- امور هواپیمایی مانند اموری که اجرای آنها، مستقیم، با دولت فدرال است، اداره خواهد شد.
۲- برحسب قانون فدرال، که به موافقت شورای ایالات رسیده، می توان وظایف مربوط به اداره امور هواپیمایی را به ایالات واگذار کرد تا به نمایندگی «اتحادیه» اقدام کنند.

ماده ۸۸ (بانک فدرال)

«اتحادیه» بانک فدرال سکس و یون، به نام بانک فدرال، تأسیس خواهد کرد.

ماده ۸۹ (راه‌های آبی فدرال)

۱- «اتحادیه» بانک آب راه‌های آلمان پیشین خواهد بود.
۲- «اتحادیه» آب راه‌های فدرال را به وسیله مقامات خود، اداره خواهد کرد و وظایف دولت را در مورد کشتیرانی داخلی که از قلمرو یک ایالت تجاوز کند و وظایف دولت را در خصوص کشتیرانی دریایی که به موجب قانون به آن واگذار گردیده، انجام خواهد داد. «اتحادیه» می تواند، اداره امور آب‌راه‌های فدرال را، که در قلمرو یک ایالت است، به درخواست ایالت، به همان ایالت واگذار کند تا به نمایندگی وی اداره نماید. هرگاه آب راهی، به قلمرو چند ایالت مربوط شود، اتحادیه می تواند، در صورت درخواست ایالات مزبور، یکی از ایالات را به نمایندگی خود، انتخاب نماید.

۱- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۹، فروده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۸۱۳)

۲- همان

۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۶ فوریه ۱۹۶۱، فروده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵)

۳- در اداره امور آب راه‌ها و گسترش و احداث آب راه‌های تازه، نیاز کشتزارها و مدیریت آب، با موافقت ایالات، برآورده خواهد شد.

ماده ۹۰ (شاهراه‌های فدرال)

۱- اتحادیه مالک بزرگ راه‌ها و شاهراه‌های آلمان پیشین خواهد بود.

۲- ایالت. یا مؤسسات دارای شخصیت حقوقی که به موجب قانون ایالت صلاحیت داشته باشند، بزرگ‌راه‌های فدرال و دیگر شاهراه‌های فدرال را که برای عبور و مرور در مسافت‌های دور به کار می‌روند، به نمایندگی «اتحادیه» اداره خواهند کرد.

۳- «اتحادیه» می‌تواند، به درخواست ایالت، بزرگ‌راه‌های فدرال و دیگر شاهراه‌های فدرال را که برای عبور و مرور در مسافت‌های دور به کار می‌روند و در قلمرو آن ایالت قرار دارند به اداره مستقیم فدرال درآورد.

ماده ۹۱^۱ (دفع خطر از هستی «اتحادیه» و ایالت)

۱- برای دفع هر خطر قریب‌الوقوع به هستی، یا به اساس نظام دموکراتیک آزاد «اتحادیه» یا ایالت، ایالت می‌تواند خواستار کمک نیروهای پلیس دیگر ایالات یا نیروها^۲ و وسایل دیگر مقامات اداری و پاسداران مرزی فدرال شود.

۲- هرگاه ایالتی که چنین خطری در آن قریب‌الوقوع است، نخواهد یا نتواند با خطر مبارزه کند، دولت فدرال می‌تواند، پلیس آن ایالت و نیروهای پلیس دیگر ایالات را زیر فرمان گیرد و به یگان‌های پاسداران مرزی فدرال در این باره مأموریت دهد. احکام مزبور، پس از رفع خطر یا در غیر این صورت در هر موقع که شورای ایالات درخواست نماید، فسخ خواهد شد. هرگاه خطر به منطقه‌ای وسیع‌تر از یک ایالت گسترش یابد، دولت فدرال می‌تواند، تا آنجا که برای مبارزه مؤثر با خطر لازم باشد، به دولت ایالات، دستورالعمل صادر نماید. حکم اخیر از اعتبار جمله‌های اول و دوم این بند نمی‌کاهد.

هشتم - الف - وظایف مشترک^۳

ماده ۹۱ الف^۴ (وظایف مشترک، تعریف)

۱- «اتحادیه در اجرای مسئولیت‌های ایالات که در زیر آمده است، مشارکت خواهد کرد، مشروط به این‌که مسئولیت‌های مزبور برای تمام جامعه حائز اهمیت بوده، مشارکت اتحادیه برای بهبود شرایط زندگانی ضروری باشد (وظایف مشترک):

۱- گسترش و احداث مؤسسات آموزش عالی به انضمام در مانگاه‌های دانشگاهی

۲- اصلاحات اساسی اقتصادی منطقه‌ای

۳- اصلاحات اساسی کشاورزی و حفظ سواحل

۲- وظایف مشترک به تفصیل در قانون فدرال، که به موافقت شورای ایالات می‌رسد تصریح خواهد شد. قوانین مزبور باید شامل اصول کلی حاکم بر اجرای وظایف مشترک باشد.

۳- در این قوانین، آیین‌نامه و همچنین مؤسسات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی جامع، پیش‌بینی خواهد شد.

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۹۱).

۲. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

۳. از قبیل سازمان دفاع غیرنظامی، سازمان مهندسی غیرنظامی اضطراری، گروه‌های آتش‌نشانی و غیره.

۴. همان.

دندان‌داری طرحی در برنامه‌ریزی جامع، محتاج موافقت ایالتی است که طرح در آن اجرا می‌شود.
۴- یک دوم هزینه‌های مشمول ۱ و ۲ بند (۱) این ماده در هر ایالت، به وسیله «اتحادیه» پرداخت خواهد شد و حداقل یک دوم هزینه‌های مشمول ۳ بند (۱) این ماده، به وسیله «اتحادیه» پرداخت و همان نسبت در همه ایالات مربوط، یکسان رعایت خواهد شد. تفصیل آن را قانون مقرر خواهد داشت. تدارک وجه، موکول به اختصاص آن در بودجه‌های «اتحادیه» و ایالات، خواهد بود.

۵- در صورت درخواست دولت فدرال و شورای ایالات، اجرای وظایف مشترک به آنان اطلاع داده خواهد شد.

ماده ۹۱ ب (همکاری «اتحادیه» و ایالات در برنامه‌ریزی آموزشی و تحقیق)

«اتحادیه» و ایالات می‌توانند، به موجب قرارداد، در برنامه‌ریزی آموزشی و گسترش مؤسسات و طرح‌های مربوط به تحقیقات علمی که برای بیش از یک منطقه حائز اهمیت باشد، همکاری نمایند. تعیین حصه هر یک در مورد هزینه، در قرارداد مربوط پیش‌بینی خواهد شد.

نهم - اجرای عدالت

ماده ۹۲ (سازمان دادگاه‌ها)

قدرت قضایی به دادرسان و اگذار و به وسیله دادگاه قانون اساسی فدرال، دادگاه‌های فدرال که در این قانون بنیادی پیش‌بینی گردیده و دادگاه‌های ایالات، به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۹۳ (دادگاه قانون اساسی فدرال، صلاحیت)

۱- دادگاه قانون اساسی فدرال، در موارد زیر تصمیم می‌گیرد:

۱. تفسیر این قانون بنیادی. در صورت بروز اختلاف در حدود اختیارات و وظایف یکی از عالی‌ترین سازمان‌های فدرال یا هر طرف ذینفعی که حقوقی به موجب این قانون بنیادی یا قواعد مربوط به آیین رسیدگی در یکی از عالی‌ترین سازمان‌های فدرال، به وی داده شده است.

۲. هرگاه اختلاف نظر یا تردید پدید آید که آیا قانون ایالت، با این قانون بنیادی چه صوری و چه ماهوی، مطبق است یا نه. یا آن که قانون ایالت با دیگر قوانین فدرال انطباق دارد یا نه، مشروط به این که دولت فدرال یا دولت ایالت، یا یک سوم اعضای مجلس فدرال چنین درخواستی نمایند.

۳. در صورت اختلاف نظر در حقوق و وظایف «اتحادیه» و ایالات، به ویژه در اجرای قوانین فدرال به وسیله ایالات و نظارت فدرال.

۴. در دیگر اختلافات، راجع به حقوق عمومی، میان «اتحادیه» و ایالات و میان ایالات مختلف، یا در یک ایالت، مگر آن که حق رجوع به دادگاهی دیگر وجود داشته باشد.

۴الف- در مورد شکایت ناشی از تخلف از حقوق اساسی که ممکن است به وسیله هر شخصی مطرح و مدعی شود، یکی از حقوق بنیادی یا یکی از حقوق وی مندرج در بند (۴) ماده ۲۰ و ماده ۳۳، ۳۸، ۱۰۱، ۱۰۳ یا ۱۰۴ به وسیله مقامات کشوری، نقض شده است.

۱- مبحث قانون فدرال مورخ ۱۴ مه ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

۲- مبحث قانون فدرال مورخ ۱۱ ژوئن ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵۷).

۳- مبحث قانون فدرال مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۹۷).

۴.ب-^۱ در مورد شکایت ناشی از تخلف از حقوق اساسی که به وسیله بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها مطرح و ادعا شود که حقی از آنان راجع به حکومت مردم، حسب ماده ۲۸ به وسیله قانون نقض شده است، قانونی ایالتی که شکایت از آن در دادگاه قانون اساسی ایالت مربوط، آزاد باشد از این حکم مستثنی است.

۵. در دیگر مواردی که در این قانون بنیادی پیش‌بینی شده است.

۲- دادگاه قانون اساسی همچنین به دیگر دعاوی که به موجب قانون فدرال به آن ارجاع شود، رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۹۴ (دادگاه قانون اساسی فدرال، ترکیب)

۱- دادگاه قانون اساسی فدرال مرکب خواهد بود از دادرسان فدرال و دیگر اعضا. نیمی از اعضای دادگاه قانون اساسی فدرال به وسیله مجلس فدرال و نیم دیگر به وسیله شورای ایالات، انتخاب خواهند شد. اینان عضو مجلس فدرال، شورای ایالات، دولت فدرال، یا هیچ یک از سازمان‌های مشابه در ایالت، نخواهند بود.

۲- اساسنامه و آیین دادرسی دادگاه قانون اساسی فدرال به موجب قانون فدرال تنظیم و طی آن تصریح خواهد شد که تصمیمات آن، در کدام دعاوی قدرت قانون خواهد داشت.^۲ در چنین قانونی می‌توان پیش‌بینی کرد که طرح دعوی تخلف از حقوق اساسی، هنگامی امکان‌پذیر خواهد بود که دیگر چاره‌های قضائی به مورد اجرا گذارده شده و بی‌نتیجه مانده باشد و می‌توان مقرراتی درباره آیین دادرسی ویژه برای پذیرفتن دعوا وضع نمود.

ماده ۹۵^۳ (عالی‌ترین دادگاه دادگستری فدرال - هیئت مشترک)

۱- «اتحادیه»، به منظور رسیدگی به دعاوی عادی، اداری، مالی، کارگری و اجتماعی به تأسیس عالی‌ترین دادگاه دادگستری زیر عنوان دادگاه فدرال دادگستری، دادگاه اداری فدرال، دادگاه مالی فدرال، دادگاه کار فدرال و دادگاه اجتماعی فدرال، اقدام خواهد کرد.

۲- دادرسان هر یک از این دادگاه‌ها به وسیله وزیران صلاحیتدار فدرال و کمیسیون انتخاب دادرسان مرکب از وزیران صلاحیتدار ایالت و به همان تعداد اعضای منتخب مجلس فدرال، متفقاً، برگزیده خواهند شد.

۳- به منظور رعایت یکسانی در صلاحیت، هیئتی مشترک از دادگاه‌های مصرح در بند (۱) این ماده تشکیل خواهد شد. تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۹۶^۴ (دادگاه‌های فدرال)

۱- «اتحادیه» می‌تواند، دادگاهی فدرال، برای امور مربوط به حقوق مالکیت صنعتی، تأسیس کند.

۲- «اتحادیه» می‌تواند، دادگاه‌های جزایی نظامی، برای قوای مسلح، به عنوان دادگاه‌های فدرال، تأسیس نماید. دادگاه‌های مزبور، هنگامی که حالت دفاع وجود داشته باشد، صلاحیت رسیدگی به جرایم را داشته و در غیر این صورت در مورد اعضای قوای مسلح که در خارج یا در کشتی‌های جنگی خدمت می‌کنند، صلاحیت خواهند داشت. تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت. این دادگاه‌ها در محدوده صلاحیت وزیر دادگستری فدرال انجام وظیفه خواهند کرد و دادرسان تمام وقت آنها باید اشخاصی باشند، واجد شرایط برای انجام وظایف دادرسی.

۱. همان.

۲. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۶۸ اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵۷).

۳. همان.

۴. به موجب قانون فدرال مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۹۷).

۳- عالی‌ترین دادگاه دادگستری برای پژوهش‌خواهی از احکام دادگاه‌های مذکور در بند (۱) و (۲) این ماده دادگاه دادگستری فدرال خواهد بود.

۴- «اتحادیه» می‌تواند برای اقدامات انضباطی و آیین رسیدگی به شکایت علیه اشخاصی که در خدمات عمومی فدرال هستند، دادگاه‌های فدرال تشکیل دهد.

۵- در مورد آیین دادرسی جزایی مربوط به بند (۱) ماده ۲۶ یا راجع به امنیت دولت، می‌توان به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر داشت که دادگاه‌های ایالتی آنچه را که در صلاحیت فدرال است، به مورد اجرا گذارند.

ماده ۹۶ الف^۳

ماده ۹۷ (استقلال دادرسان)

۱- دادرسان مستقند و فقط از قانون پیروی خواهند کرد.

۲- دادرسانی که به طور دائم و تمام وقت در مشاغل ثابت منصوب می‌شوند، نمی‌توان بدون رضای آنان، برکنار، یا دائم یا موقتا از شغل شان معلق نمود یا وظیفه‌ای متفاوت از شغل قضا به آنان محول یا پیش از انقضای دوره تصدی بازنشسته کرد، مگر به استناد تصمیمی قضائی آن هم فقط به جهات و به گونه‌ای که قانون مقرر می‌دارد، به موجب قانون، می‌توان، حدودی برای سن بازنشستگی دادرسانی که مادام‌العمر منصوب می‌شوند، تعیین نمود. هرگاه تغییری در سازمان یا صلاحیت دادگاه‌ها داده شود، دادرسان را می‌توان به دادگاهی دیگر منتقل یا از خدمت معاف کرد، مشروط به این که حقوق آنان به طور کامل پرداخت شود.

ماده ۹۸* (رتبه و پایه قضایی دادرسان)

۱- رتبه و پایه قضایی دادرسان به موجب قانون خاص فدرال مقرر خواهد شد.

۲- هرگاه دادرس فدرال، در سمت رسمی خود یا به طور غیررسمی، اصول این قانون بنیادی یا قانون اساسی ایالتی را نقض کند، دادگاه قانون اساسی فدرال می‌تواند، با اکثریت دو سوم و بنا به درخواست مجلس فدرال، تصمیم بگیرد که به دادرس مزبور شغلی دیگر رجوع، یا بازنشسته شود. هرگاه نقض عمدی باشد، می‌تواند حکم به اخراج وی دهد.

۳- رتبه و پایه قضایی دادرسان در ایالات، به وسیله قوانین ویژه ایالت تنظیم خواهد شد. «اتحادیه» می‌تواند مقرراتی کمی که معارض بند (۴) ماده ۷۴ الف نباشد، وضع نماید.

۴- ایالات می‌توانند مقرر دارند که وزیر دادگستری ایالت با همکاری کمیسیون ویژه انتخاب دادرسان، انتصاب دادرسان ایالات را بر عهده گیرند.

۵- ایالات می‌توانند، در مورد دادرسان ایالت، مقرراتی مشابه بند (۲) این ماده وضع نمایند. قانون اساسی فعلی ایالات به قدرت خود باقی خواهند بود. هرگاه قاضی از طرف مجلس قانون‌گذاری متهم شود، تصمیم

۱- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۶۳).

۲- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۶ اوت ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۳۵۷).

۳- ماده ۹۶ اساسی به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۶۸ نسخ شد (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵۸). ماده ۹۶ کنونی همان ماده ۹۶ الف پیشین است که به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ افزوده شد (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱). او سپس به موجب قوانین فدرال مورخ ۶ مارس ۱۹۶۱ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۴۱) و مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۶۸ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵۸) و مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۴۳) و مورخ ۲۶ اوت ۱۹۶۹ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۳۵۷)، به شرح متن اصلاح شده است.

۴- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ مارس ۱۹۷۱ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۲۰۶).

۵- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۶۱ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵۸).

در باره وی با دادگاه قانون اساسی فدرال خواهد بود.

ماده ۱۹۹^۱ (واگذاری صلاحیت به دادگاه قانون اساسی فدرال و عالی‌ترین دادگاه فدرال در امور مربوط به قانون ایالت)

تصمیم‌گیری در مورد دعاوی ناشی از قانون اساسی ایالت ممکن است به وسیله قوه قانون‌گذاری ایالت به دادگاه قانون اساسی فدرال واگذار شود و تصمیم‌گیری در مرحله‌نهایی در امور مربوط به اجرای قانون ایالت به عالی‌ترین دادگاه دادگستری موضوع بند (۱) ماده ۹۵ ارجاع گردد.

ماده ۱۰۰ (لزوم انطباق قوانین مصوب با قانون بنیادی)

۱- هرگاه دادگاهی، قانونی را که مبنای تصمیم اوست خلاف قانون اساسی تشخیص دهد، دادرسی را متوقف خواهد کرد تا رأی دادگاه ایالتی صالح جهت رسیدگی به دعاوی ناشی از قانون اساسی در مواردی که نقض قانون اساسی ایالت محل اختلاف است، تحصیل گردد. هرگاه نقض این قانون بنیادی مورد ادعا باشد، رأی دادگاه قانون اساسی فدرال باید تحصیل شود. همین حکم شامل موردی نیز خواهد بود که ادعا شود این قانون بنیادی را، قانون ایالت نقض کرده، یا قانون ایالت با قانون فدرال معارض است.

۲- هرگاه، در جریان دعوا، تردید شود که آیا قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی جزء مکمل حقوق فدرال است و آیا قاعده مزبور مستقیماً بر افراد ایجاد حق و تکلیف می‌کند (ماده ۲۵)، در این صورت دادگاه برای تحصیل رأی دادگاه قانون اساسی فدرال اقدام خواهد کرد.

۳- هرگاه^۲ دادگاه قانون اساسی ایالت، در تفسیر این قانون بنیادی، قصد عدول از رأی دادگاه قانون اساسی فدرال یا دادگاه قانون اساسی ایالتی دیگر داشته باشد، باید رأی دادگاه قانون اساسی فدرال را تحصیل نماید.

ماده ۱۰۱ (تحریم دادگاه‌های ویژه)

۱- تشکیل دادگاه‌های ویژه جایز نیست. هیچ کس را نمی‌توان از صلاحیت دادرسی که مجاز برای رسیدگی است، محروم ساخت.

۲- تأسیس دادگاه برای رشته‌های خاص فقط به موجب قانون خواهد بود.

ماده ۱۰۲ (الغای مجازات اعدام)

مجازات اعدام لغو می‌شود.

ماده ۱۰۳ (حقوق اساسی افراد در دادگاه‌ها)

۱- در دادگاه‌ها، هر کس حق دارد از دادرسی مطابق با قانون، استفاده کند.

۲- فقط عملی را می‌توان مستوجب مجازات دانست که خلاف قانونی باشد که پیش از ارتکاب عمل، بوده است.

۳- هیچ کس را نمی‌توان به موجب قانون کیفر همگانی، برای یک عمل بیش از یک بار مجازات کرد.

ماده ۱۰۴ (تضمین‌های قضائی در صورت سلب آزادی)

۱- آزادی افراد را فقط به استناد قانونی رسمی می‌توان محدود نمود آن هم فقط به صورتی که طی آن مقرر شده است. اشخاصی را که بازداشت شده‌اند، نمی‌توان مورد بدرفتاری روحی و جسمی قرار داد.

۲- فقط دادرسان می‌توانند در ادامه سلب آزادی کسی، تصمیم بگیرند. هر موقع که سلب آزادی به حکم دادرس نباشد، باید بدون تأخیر رأی قضایی تحصیل شود. پلیس نمی‌تواند هیچ کس را به اختیار خود،

^۱ همان.

^۲ به موجب قانون فدرال مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۶۸ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۶۵۸).

متجاوز از پایان فرادای روز بازداشت، در زندان نگاه دارد. تفصیل آن را قانون مقرر خواهد داشت.

۳- هر کس در معرض سوءظن به ارتکاب جرمی قرار گرفته، به طور موقت، بازداشت شده باشد، باید تا قبل از پایان فرادای روز بازداشت، نزد دادرس آورده شود، دادرس او را از علت بازداشت آگاه ساخته، از او بازپرسی نموده، به وی مجال خواهد داد که اعتراضات خود را مطرح کند. دادرس باید، بدون تأخیر، قرار توقیف او را با ذکر دلیل صادر یا حکم به آزادی او از بازداشت بدهد.

۴- یکی از خویشاوندان یا کسی که مورد اعتماد شخص بازداشت شده باشد، باید بدون تأخیر از رأی قضایی دائر به سب آزادی وی یا دانه آن، آگاه نمود.

دهم - مالیه

ماده ۱۰۴ الف - (توزیع هزینه، کمک مالی)

۱- «اتحادیه» و ایالات، جداگانه، هزینه‌های ناشی از انجام وظایف مخصوص خود را خواهند پرداخت، مگر آن‌که به موجب این قانون بنیادی به گونه‌ای دیگر مقرر شده باشد.

۲- هر موقع که ایالات به نمایندگی «اتحادیه» اقدام می‌کنند، هزینه‌های ناشی از آن را، «اتحادیه» خواهد پرداخت.

۳- هرگاه قوانین فدرال که به وسیله ایالات اجرامی شود متضمن صرف هزینه باشد، می‌توان مقرر داشت که هزینه‌های مزبور را، کلاً یا جزئاً، با «اتحادیه» پرداخت نماید. هرگاه چنین قانونی مقرر دارد که نیمی از هزینه یا بیش از نیمی از هزینه را «اتحادیه» بپردازد، ایالات به عنوان نماینده «اتحادیه» آن را انجام خواهند داد. هرگاه در چنین قانونی پیش‌بینی شود که ایالات یک ربع هزینه یا بیش از یک ربع هزینه را بپردازند، مراتب محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود.

۴- «اتحادیه» می‌تواند به ایالات، به منظور سرمایه‌گذاری‌هایی که اهمیت ویژه برای ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها داشته باشد، کمک مالی کند، مشروط به این‌که سرمایه‌گذاری مزبور برای رفع آشفتگی در تعادل جامع اقتصادی، یا تعادل ساختن استعدادهای اقتصادی در قلمرو فدرال، یا گسترش رشد اقتصادی، ضروری باشد. جزئیات، به ویژه در مورد انواع سرمایه‌گذاری‌هایی که باید رایج شود، به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، یا حسب ترتیبات اداری براساس بودجه فدرال، تنظیم خواهد شد.

۵- «اتحادیه» و ایالات هزینه‌های اداری که به وسیله مقامات مخصوص خود آنان به مصرف می‌رسد، پرداخت و در برابر یکدیگر، در اجرای شایسته امور مسئول خواهند بود، تفصیل آن را قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر خواهد داشت.

ماده ۱۰۵ (قانون‌گذاری راجع به حقوق گمرکی، انحصارات، مالیات‌ها)

۱- «اتحادیه» در مورد قانون‌گذاری در حقوق گمرکی و انحصارات مالی، دارای اختیارات انحصاری است.

۲- «اتحادیه» در مورد قانون‌گذاری راجع به دیگر مالیات‌ها، «اختیارات مشترک» خواهد داشت و درآمد حاصل از آنها کلاً یا جزئاً یا در موردی که شرایط مقرر در بند (۲) ماده ۷۲ شمول داشته باشد به «اتحادیه» تعلق خواهد داشت.

۱- مرحب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

۲- مرحب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

۲- الف- ایالات در مورد مالیات‌های غیرمستقیم محلی، مادام که مشابه مالیات‌های وضع شده به وسیله قانون‌گذار فدرال نباشد، اختیار قانون‌گذاری خواهند داشت.

۳- قوانین فدرال در مورد مالیات‌هایی که کلاً یا جزئاً به ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها تعلق می‌گیرد، محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود.

ماده ۱۰۶^۲ (تعیین سهم درآمد حاصل از مالیات)

۱- درآمد حاصل از انحصارات مالی و درآمدهایی که از مالیات‌های زیر به دست می‌آید، به «اتحادیه» تعلق خواهد داشت.

۱. حقوق گمرکی

۲. مالیات‌های غیرمستقیم. مگر آنچه که پیرو بند (۲) این ماده به ایالات، یا مطابق بند (۳) این ماده مشترکاً به «اتحادیه» و ایالات. یا مطابق بند (۶) این ماده به بخش‌ها، تعلق گیرد.

۳. مالیات حمل بار در راه‌ها

۴. مالیات‌های انتقال سرمایه، مالیات بیمه و مالیات سفته و برات.

۵- عوارض غیرمستمر از املاک و سهمی که به منظور برقراری تساوی در تحمل بار خسارات به موجب قانون وضع می‌شود.^۳

۶. مالیات‌های اضافی بر درآمد و اضافه مالیات اشخاص حقوقی

۷. هزینه‌هایی که در محدوده «جامعه اروپا» وضع می‌شود.

۲- درآمد حاصل از مالیات‌های زیر به ایالات تعلق خواهد داشت:

۱. مالیات املاک (ارزش خالص ملک)

۲. مالیات بر ارزش

۳. مالیات بر وسایل نقلیه موتوری

۴. مالیات معاملات. مگر آنچه که پیرو بند (۱) این ماده به «اتحادیه» یا پیرو بند (۳) این ماده مشترکاً به «اتحادیه» و ایالات تعلق گیرد.

۵. مالیات آبجو

۶. مالیات بنگاه‌های قماربازی

۳- درآمد حاصل از مالیات بر درآمد و مالیات اشخاص حقوقی و مالیات‌های مجموع، مشترکاً به «اتحادیه» و ایالات تعلق خواهد داشت (مالیات‌های مشترک است) مگر درآمد حاصل از مالیات بر درآمد که پیرو بند (۵) این ماده به بخش‌ها اختصاص یافته است. «اتحادیه» و ایالات از درآمد حاصل از مالیات بر درآمد و مالیات اشخاص حقوقی، سهم مساوی خواهند داشت. سهم مخصوص «اتحادیه» و ایالات از درآمد مالیات‌های مجموع به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، تعیین خواهد شد. تعیین سهم مزبور بر اصول زیر استوار خواهد بود:

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

۲. به موجب قوانین فدرال مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۵۵ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۸۱۷) و مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۶ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۰۷۷) و مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹)، به شرح متن اصلاح شده است.

۳. منظور سهیم است که اشخاص می‌پردازند که در جنگ متحمل خسارت نشده‌اند و برای جبران خسارت اشخاصی به کار می‌رود که چنین زیان‌هایی دیده‌اند.

۱. «اتحادیه» و ایالات برای جبران هزینه‌های لازم خاص خود، حق مساوی دارند که از درآمدهای جاری، برداشت نمایند. حدود هزینه‌های مزبور با نظام برنامه‌ریزی مالی «سالانه چند بار» تعیین خواهد شد.

۲. مقررات راجع به جبران هزینه‌های «اتحادیه» و ایالات چنان هماهنگ خواهد شد که توازن عادلانه داشته باشد و از تحمیل بیش از اندازه بر مالیات دهندگان خودداری و یکسانی سطح زندگی در قلمرو فدرال تأمین شود.

۴- سهام مخصوص «اتحادیه» و ایالات از درآمد مالیات‌های مجموع از نو با تعیین حصه هر یک، در مواقعی که نسبت میان درآمد و هزینه در «اتحادیه» با مقایسه با ایالات تغییر اساسی کند، مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت. هر موقع که به موجب قانون فدرال هزینه‌های اضافی بر ایالات تحمیل یا از درآمد آنان برداشت می‌شود، این کمبود به رسم عطیه فدرال، به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، جبران خواهد شد. مشروط به این که کمبود مزبور محدود به زمان کوتاه باشد. در چنین قوانینی اصول محاسبه عطیه و تقسیم آن میان ایالات پیش‌بینی می‌گردد.

۵- سهمی از درآمد حاصل از مالیات بر درآمد به بخش‌ها تعلق خواهد داشت که به وسیله ایالات، بر اساس مالیات بر درآمدی که ساکنان بخش‌ها پرداخته‌اند به بخش‌های تابع مسترد می‌شود. تفصیل آن را قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر خواهد داشت. در این قانون می‌توان پیش‌بینی کرد که ارزش یابی سهم بخش را از چند درصد سهام بخش‌ها خود بر عهده گیرند.

۶- درآمد حاصل از مالیات مستغلات و مالیات کسب به بخش‌ها تعلق دارد. درآمد حاصل از مالیات غیرمستقیم محلی به بخش‌ها و در صورتی که قانون ایالت مقرر دارد، به انجمن‌های بخش‌ها تعلق خواهد داشت. بخش‌ها مجازند چند درصد سهم بخش را از مالیات مستغلات و مالیات کسب، در محدوده قوانین موجود، خود ارزش‌یابی کنند. در ایالتی که بخش نباشد، درآمد حاصل از مالیات‌های مستغلات و کسب و همچنین مالیات غیرمستقیم محلی، به ایالت تعلق خواهد گرفت. «اتحادیه» و ایالات می‌توانند، در درآمد حاصل از مالیات بازرگانی، با تعیین باج راه، شریک شوند. تفصیل این باج راه را قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر خواهد داشت. در محدوده قوانین ایالت، می‌توان، مالیات‌های مستغلات و کسب و همچنین سهم بخش‌ها از درآمد حاصل از مالیات بر درآمد را مبنای احتساب باج راه مزبور قرار داد.

۷- چند درصدی کمی، که به موجب قانون ایالت تعیین خواهد شد، از سهم ایالت نسبت به مجموع درآمد حاصل از مالیات‌های مشترک، به بخش‌ها و انجمن بخش‌ها تعلق خواهد گرفت. در سایر موارد، قانون‌گذار ایالت معلوم خواهد کرد که کدام یک از درآمدهای حاصل از مالیات‌های ایالت و تا چه میزان، به بخش‌ها و انجمن بخش‌ها تعلق خواهد یافت.

۸- هرگاه اتحادیه، در یکی از ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها، موجبات تأسیس وسایل ویژه‌ای را فراهم سازد که بر اثر آن هزینه ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌های مزبور، افزایش یابد یا از درآمد آنها کسر گردد، تاوان لازم را بازیگران «اتحادیه» در مواردی و تا حدی که از ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها نتوان، به طور معقول، انتظار داشت که چنین کمبود ویژه‌ای را تحمل کنند، تأدیه خواهد کرد. در تأدیه تاوان مزبور، خسارات اشخاص ثالث و منافع مالی که با تأسیس این وسایل عاید ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌های مربوط می‌گردد، در نظر گرفته خواهد شد.

۹- درآمدها و هزینه‌های بخش‌ها و انجمن بخش‌ها در این ماده، درآمدها و هزینه‌های ایالت منظور خواهد بود.

ماده ۱۰۷^۱ (برابری مالی)

۱- درآمد حاصل از مالیات‌های ایالتی و سهم ایالت از درآمد حاصل از مالیات بر درآمد و مالیات اشخاص حقوقی، مادام که مالیات‌های مزبور به وسیله مقامات مالیاتی (اداره دارایی محل) در قلمرو و ایالت وصول می‌شود، به همان ایالت تعلق خواهد گرفت. به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات به تفصیل، در مورد حدود درآمد محل مقرراتی وضع نمود. مالیات‌های اشخاص حقوقی و دستمزدها و همچنین روش و حدود تقسیم آن درآمد، مقرراتی وضع نمود. سهم ایالت از درآمد حاصل از مالیات‌های مجموع به نحو سرانه، به همان ایالت تعلق می‌گیرد. به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، می‌توان مقرر داشت که به هر ایالت که درآمد سرانه آن از مالیات‌های ایالتی و از مالیات بر درآمد و مالیات اشخاص حقوقی، از میانگین مجموع همه ایالات کمتر باشد، سهم اضافی که از یک چهارم سهم مالیات تجاوز نکند، اعطاء گردد.

۲- به موجب قانون فدرال، باید در «برابری» معقول میان ایالاتی که از لحاظ قوی و آنها که از لحاظ مالی ضعیفند، اقدام و بدین منظور استعداد مالی و نیازهای مالی بخش‌ها و انجمن بخش‌ها در نظر گرفته شود. در این قوانین شرایطی که به موجب آنها ایالات حق مطالبه و دریافت وجوه «برابری» را دارند و شرایط ایالاتی که پرداخت وجوه «برابری» بر عهده آنها خواهد بود و همچنین ملاک‌هایی برای تعیین مبالغ وجوه پرداختی برای «برابری» تصریح خواهد شد. در قوانین مزبور همچنین می‌تواند پیش‌بینی کرد که «اتحادیه» از وجوه فدرال، به ایالاتی که از لحاظ مالی ضعیفند، عطایابی تأدیه کند تا برای تأمین کمبود نیازهای مالی عمومی آنان به کار رود (عطایابی تکمیلی).

ماده ۱۰۸^۲ (اداره امور مالی)

۱- حقوق گمرکی، انحصارات مالی، مالیات‌های غیر مستقیم که در صلاحیت قانون‌گذار فدرال است، به انضمام مالیات غیر مستقیم بر واردات و مطالبات مربوط به جامعه اروپا، به وسیله مراجع دارایی فدرال، اداره خواهد شد. سازمان مراجعه مزبور را قانون فدرال تعیین خواهد کرد. رؤسای این مراجع در سطح میانه با مشورت دولت ایالتی مربوط، منصوب می‌شوند.

۲- سایر مالیات‌ها کلاً، به وسیله مراجع دارایی ایالت اداره خواهد شد. سازمان این مراجع و آموزش یکسان مستخدمین کشوری آنان را می‌توان به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر داشت. رؤسای مراجع در سطح میانه با موافقت دولت فدرال، منصوب می‌شوند.

۳- این مراجع در مورد مالیات‌هایی که کلاً یا جزاً، به «اتحادیه» تعلق دارد، تا حدی که به وسیله مراجع دارایی ایالت اداره می‌شود، به عنوان نمایندگان «اتحادیه» اقدام می‌کنند و بندهای (۳) و (۴) ماده ۸۵ درباره آنها شمول داشته. وزیر دارایی فدرال جایگزین دولت فدرال می‌گردد.

۴- در اداره امور مالیات‌ها، می‌توان، به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، همکاری مراجع دارایی فدرال و ایالت را پیش‌بینی کرد، یا در خصوص مالیات‌های موضوع بند (۱) این ماده

۱. به موجب قوانین فدرال مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۵ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۸۱۷) و مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹)، به شرح متن اصلاح شده است.

۲. به موجب قانون فدرال، مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

اداره امور آنها را به مراجع داری ایالت و اداره امور دیگر مالیات‌ها را به مراجع داری فدرال واگذار نمود، مشروط به این که اجرای قوانین مالیاتی، بدان وسیله به طور اساسی بهبود یابد یا آسان شود. در مورد مالیات‌هایی که درآمد حاصل از آنها منحصرأ به بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها تعلق می‌گیرد، اداره امور آنها را ایالات می‌توانند. کلاً یا جزناً از مراجع داری ایالت مربوط، به بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها منتقل نمایند.

۵- آیین‌نامه‌ای که به وسیله مراجع داری فدرال به مورد اجرا گذارده می‌شود، در قانون فدرال پیش‌بینی خواهد شد و آیین‌نامه‌ای که به وسیله مراجع داری ایالت، یا به گونه‌ای که در جمله دوم بند (۴) این ماده ملحوظ گردیده، به وسیله بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها، اجرا می‌گردد، نیز ممکن است به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر داشت.

۶- صلاحیت دادگاه‌های مالیاتی را، به گونه‌ای یکسان، قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

۷- دولت فدرال می‌تواند، به صدور دستور العمل‌های کلی اداری مربوط به این امور مبادرت ورزد. دستورالعمل‌های مزبور تا حدی که راجع به اموری باشد که اداره آنها با مراجع داری ایالت یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها است، محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود.

ماده ۱۰۹ (بودجه‌های جداگانه برای «اتحادیه» و ایالات)

۱- «اتحادیه» و ایالات «خودمختارند» و در اداره امور مالی خود مستقل از یکدیگرند.
۲- «اتحادیه» و ایالات، در اداره امور مالی خود، نیازهای «موازنه اقتصادی جامع» را در نظر خواهند گرفت.
۳- به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، می‌توان اصولی مقرر داشت که شامل «اتحادیه» و ایالات هر دو بوده، حاکم بر قوانین بودجه و مسئول بودن اداره امور مالی در برابر گرایش‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی مالی چند سال آینده باشد.

۴- به منظور جلوگیری از آشفتگی در «موازنه اقتصادی جامع»، می‌توان به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، موارد زیر را مقرر داشت:

- تعیین حداکثر مبلغ، شرایط و مدت وام‌هایی که به وسیله مؤسسات امور عمومی، چه برای «قلمروی معین» یا «وظیفه‌ای خاص» دریافت می‌شود.

- تعهد «اتحادیه» و ایالات در تعیین سپرده‌های بدون بهره در بانک فدرال آلمان (ذخیره برای متعادل کردن گرایش‌های اقتصادی).

اجازه صدور فرامین مربوط به دارای قدرت قانون باشد، فقط به دولت فدرال داده می‌شود. این فرامین محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود و همین که مجلس فدرال درخواست نماید، لغو خواهد شد. تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۱۱۰ (بودجه «اتحادیه»)

۱- همه درآمدها و هزینه‌های «اتحادیه» در بودجه منظور خواهد شد. در مورد دستگاه‌های تولیدی فدرال و صندوق‌های ویژه، فقط اختصاص وجه به آنها یا انتقال وجه از آنها، در بودجه منظور می‌گردد. بودجه از لحاظ درآمد و هزینه باید متعادل باشد.

۲- بودجه، به موجب قانونی که شامل یک سال یا چند سال مالی به طور جداگانه باشد، پیش از آغاز اولین

۱- به موجب قانون فدرال مورخ ۸ ژوئن ۱۹۶۷ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۵۸۱).
۲- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۳ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۷).
۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۷).

سال از سال‌های مالی مزبور، تصویب و استقرار خواهد یافت. مقرراتی می‌توان وضع کرد که قسمتی از بودجه شامل دوره‌هایی با مدت‌های گوناگون، اما مجزا برحسب سال مالی باشد.

۳- لویحی که بنا به مفاد جمله نخست بند (۲) این ماده تهیه می‌شود و همچنین لویح تجدید نظر در قانون بودجه و اصلاح و متمم بودجه، به مجلس فدرال و شورای ایالات همزمان، تقدیم خواهد شد، شورای ایالات حق دارد موضع خود را نسبت به این گونه لویح ظرف مدت شش هفته و در مورد لویح تجدید نظر و اصلاح و متمم بودجه ظرف مدت سه هفته اظهار بدارد.

۴- قانون بودجه فقط شامل مقررات مربوط به درآمدها و هزینه‌های «اتحادیه» و دوره‌ای که قانون بودجه برای آن وضع شده است، خواهد بود. در قانون بودجه می‌توان تصریح کرد که پارهای مقررات آن، فقط تا تاریخ تصویب و انتشار بودجه بعد، یا در صورت کسب اجازه پیر و ماده ۱۱۵ تا تاریخی مؤخر، اعتبار خواهد داشت.

ماده ۱۱۱ (پرداخت‌های پیش از تصویب بودجه)

۱- هرگاه تا پایان سال مالی، بودجه سال بعد به موجب قانون تصویب و استقرار نیافته باشد، دولت فدرال می‌تواند، تا لازم الاجرا شدن قانون مزبور، آنچه را برای موارد زیر لازم است پرداخت کند:

الف- حفظ نهادهایی که به موجب قانون ایجاد شده و اقداماتی که قانون اجازه انجام آنها را داده است.

ب- انجام تعهدات «اتحادیه» که از قانون، پیمان و عهدنامه ناشی شده باشد.

ج- ادامه ساختمان طرح‌ها، تهیه وسایل و دیگر خدمات، یا ادامه پرداخت عطایا برای مقاصد مذکور، مشروط به این که مبالغ مربوط در بودجه سال قبل منظور شده باشد.

۲- هرگاه درآمدهای پیش‌بینی شده در قانونی ویژه و حاصل از مالیات‌ها یا حقوق گمرکی یا دیگر مطالبات یا منابع، یا ذخایر سرمایه‌ای در گردش، هزینه‌های مندرج در بند (۱) این ماده را تأمین نکند، دولت فدرال می‌تواند، و جوه لازم برای عملیات جاری را تا حداکثر یک چهارم مجموع مبلغ بودجه قبل، وام گیرد.

ماده ۱۱۲^۱ (هزینه‌های مازاد بر تخمین‌های بودجه)

هزینه‌های مازاد بر آنچه که در بودجه اختصاص یافته و هزینه‌های فوق بودجه محتاج موافقت وزیر دارایی فدرال خواهد بود و فقط در صورتی چنین موافقتی خواهد شد که ضرورتی پیش‌بینی نشده و الزامی، ایجاب کند. تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

ماده ۱۱۳^۲ (افزایش هزینه)

۱- قوانینی که موجب افزایش هزینه‌هایی شود که در بودجه دولت فدرال پیشنهاد گردیده، یا متضمن هزینه‌های تازه بوده یا احتمال داشته باشد که در آینده ایجاد هزینه کند، محتاج موافقت دولت فدرال خواهد بود. همین حکم شامل قوانینی نیز خواهد شد که متضمن کاهش درآمد بوده یا احتمال داشته باشد که در آینده موجب کاهش درآمد شود. دولت فدرال می‌تواند از مجلس فدرال خواستار شود که رأی‌گیری در این گونه طرح‌ها به تأخیر افتد. در این صورت دولت فدرال موضع خود را ظرف مدت شش هفته اظهار خواهد داشت.

۲- ظرف مدت چهار هفته پس از آن که مجلس فدرال چنین طرحی را تصویب کند، دولت فدرال می‌تواند نسبت به آن طرح درخواست رأی‌گیری مجدد نماید.

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۷).
۲. همان

۳- هرگاه طرح به استناد ماده ۷۸، قانون شود، دولت فدرال می‌تواند، فقط به مدت شش هفته از موافقت با آن خودداری کند. آن هم فقط بعد از مبادرت به اقدامات مقرر در جمله‌های سوم و چهارم بند (۱) یا (۲) این ماده. همین که دوره مزبور سپری شود، موافقت مزبور انجام شده تلقی خواهد شد.

ماده ۱۱۴ (تفریح حساب‌ها، دیوان محاسبات)

۱- وزیر دارایی فدرال به نمایندگی از طرف دولت فدرال، گزارش سال مالی قبل مشتمل بر همه درآمدها و هزینه‌ها و همچنین دارایی و بدهی‌ها را سالانه، برای تصویب به مجلس فدرال و شورای ایالات تقدیم خواهد کرد.

۲- دیوان محاسبات فدرال، که اعضای آن از استقلال قضائی بهره‌مند خواهند بود، حساب‌ها را واریسی و به اداره امور بودجه و ترتیب کارها به لحاظ صرفه‌جویی و درستی، رسیدگی می‌نماید. دیوان محاسبات گزارشی سالانه، مستقیماً، به دولت فدرال و همچنین مجلس فدرال و شورای ایالات، تقدیم خواهد کرد. در همه موارد دیگر، اختیارات دیوان محاسبات فدرال به وسیله قانون فدرال تعیین خواهد شد.

ماده ۱۱۵ (تحصیل اعتبار)

۱- وام گرفتن و به رهن نهادن، تضمین یا تعهدات دیگر، که موجب صرف هزینه در سال‌های مالی آینده می‌شود، محتاج مجوز قانونی فدرال است که طی آن حداکثر مبالغ مربوط تعیین، یا اجازه محاسبه آن داده شده باشد. درآمد حاصل از وام، از مجمع هزینه‌هایی که برای سرمایه‌گذاری در بودجه پیش‌بینی شده است، تجاوز نخواهد کرد. استثناء بر این حکم فقط در صورتی مجاز است که برای جلوگیری از آشفتگی در «موازنه اقتصاد جامع» باشد. تفصیل آن را قانون فدرال مقرر خواهد داشت.

۲- صندوق‌های ویژه «اتحادیه» را می‌توان، با مجوز قانونی فدرال از مقررات بند (۱) این ماده مستثنی نمود.

دهم الف - حالت دفاع

ماده ۱۱۵ الف (تشخیص حالت دفاع)

۱- تشخیص این که قلمرو فدرال به وسیله قوای مسلح مورد هجوم قرار گرفته یا چنان هجومی، مستقیماً قریب الوقوع است (حالت دفاع) بر عهده مجلس فدرال، با موافقت شورای ایالات خواهد بود. این تشخیص، به درخواست دولت فدرال و محتاج اکثریت دوسوم آرای داده شده که شامل، حداقل، اکثریت مطلق اعضای مجلس فدرال باشد، خواهد بود.

۲- هرگاه وضع اضطراری، اقدام فوری ایجاب نماید و موانعی که رفع آنها امکان‌پذیر نباشد، از تشکیل به موقع جلسه مجلس فدرال جلوگیری نماید، یا اکثریت لازم برای تشکیل جلسه مجلس فدرال نباشد، «کمیسیون مشترک» با اکثریت دوسوم آرای داده شده که شامل حداقل، اکثریت مطلق اعضای آن خواهد بود، تشخیص مذکور را خواهد داد.

۳- تشخیص مزبور در «مجله حقوقی فدرال» به وسیله رئیس جمهور فدرال، پیرو ماده ۸۲ انتشار خواهد یافت و هرگاه انجام به موقع آن ممکن نشود، به گونه‌ای دیگر منتشر و بعد، همین که اوضاع اقتضا کند، در «مجله حقوقی فدرال» چاپ خواهد شد.

۱- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ - تشرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۷).
۲- تعدد نسبت دوم الف به موجب قانون فدرال مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۶۸ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحات ۳۶۱، ۳۶۲).

۴- هرگاه قلمرو و فدرال به وسیله قوای مسلح مورد هجوم قرار گیرد و سازمان‌های صلاحیتدار «اتحادیه» در موضعی نباشند که تشخیص مندرج در جمله اول بند (۱) این ماده را، در همان هنگام بدهند، تشخیص فوق، در زمان آغاز هجوم، انجام یافته و منتشر شده، تلقی خواهد شد. رئیس جمهور فدرال، زمان مزبور را، همین که اوضاع اقتضا کند، اعلام خواهد کرد.

۵- هنگامی که تشخیص وجود حالت دفاع انتشار یابد و همین که قلمرو فدرال به وسیله قوای مسلح مورد هجوم قرار گیرد، رئیس جمهور فدرال می‌تواند، با موافقت شورای ایالات، اعلامیه‌هایی که اعتبار بین‌المللی داشته باشد، در خصوص وجود چنان حالت دفاعی، صادر نماید. در صورت وقوع شرایط مندرج در بند (۲) این ماده، «کمیسون مشترک» نمایندگی مجلس فدرال را بر عهده خواهد داشت.

ماده ۱۱۵ ب (اقتدارات فرماندهی در زمان حالت دفاع)

- با «انتشار» حالت دفاع، اقتدارات فرماندهی قوای مسلح به صدر اعظم فدرال انتقال خواهد یافت.

ماده ۱۱۵ ج (صلاحیت قانون‌گذاری «اتحادیه» در زمان حالت دفاع)

۱- «اتحادیه» حق دارد، به قانون‌گذاری مشترک، حتی در اموری که در حدود صلاحیت ایالات است با تصویب قوانینی مربوط به رویداد حالت دفاع، مبادرت ورزد. قوانین مزبور محتاج موافقت شورای ایالات خواهد بود.

۲- قوانین فدرال که مربوط به رویداد حالت دفاع است، مادام که حالت دفاع مذکور موجود و شرایط حاکم بر آن ایجاب نماید، ممکن است شامل مقرراتی در موارد زیر باشد:

۱- جبران مقدماتی خسارات ناشی از سلب تصرف یا تملک اشخاص، که بر اثر آن از جمله دوم بند (۳) ماده ۱۴ عدول می‌شود.

۲- سلب آزادی افراد برای مدتی که از چهار روز تجاوز نکند، مشروط بر این که هیچ قاضی نتوانسته باشد در مدتی که شامل مواقع عادی است، اقدام کند، در نتیجه از جمله سوم بند (۲) و جمله اول بند (۳) ماده ۱۰۴ عدول شود.

۳- به موجب قوانین فدرال در مورد رویداد حالت دفاع، تا حدودی که برای دفع هجوم موجود یا هجومی که مستقیماً، قریب‌الوقوع است، لازم باشد می‌توان با موافقت شورای ایالات، اداره امور و نظام مالی «اتحادیه» و ایالات را با عدول از قسمت‌های هشتم، هشتم الف و دهم، تنظیم نمود، مشروط به این که امور حیاتی ایالات، بخش‌ها و انجمن بخش‌ها، به ویژه در امور مالی، محفوظ بمانند.

۴- به موجب قوانین که پیرو بند (۱) یا جزء (۱) بند (۲) این ماده وضع می‌شود، می‌توان، به منظور آمادگی هنگام اجرای آنها، پیش‌بینی نمود که حتی قبل از رویداد حالت دفاع، به مورد اجرا گذاشته شود.

ماده ۱۱۵ د (آیین رسیدگی اختصاری به لوایح و طرح‌های فوری در زمان حالت دفاع)

۱- مادام که حالت دفاع وجود دارد، مقررات بندهای (۲) و (۳) این ماده در مورد قوانین فدرال، با وجود مقررات بند (۲) ماده ۷۶، جمله دوم بند (۱) و بند (۲) تا (۴) ماده ۷۷، ماده ۷۸ و بند (۱) ماده ۸۲، به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

۲- لوایحی که با قید فوریت به وسیله دولت فدرال، به مجلس فدرال تقدیم می‌شود، هم‌زمان به شورای ایالات فرستاده خواهد شد. مجلس فدرال و شورای ایالات لوایح مزبور را، بدون تأخیر در جلسه مشترک

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ تیر ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

مورد بحث قرار خواهند داد. در مواردی که موافقت شورای ایالات لازم است، اکثریت آرای آن برای مبدل شدن چنین لایحه‌ای به قانون ضروری است. تفصیل آن را آیین‌نامه داخلی مصوب مجلس فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر خواهد داشت.

۳- جمله دوم از بند (۳) ماده ۱۱۵ الف در مورد انتشار این گونه قوانین رعایت می‌گردد.

ماده ۱۱۵ هـ (مقام و وظایف «کمیسیون مشترک»)

۱- مادام که حالت دفاع وجود دارد اگر «کمیسیون مشترک» با اکثریت دو سوم آرای داده شده که شامل حداقل، اکثریت مطلق اعضای آن باشد، تشخیص دهد که مواعی که رفع آنها امکان‌پذیر نیست از تشکیل به موقع جلسه مجلس فدرال جلوگیری می‌نماید، یا اکثریت لازم برای تشکیل جلسه مجلس فدرال وجود ندارد، «کمیسیون مشترک» در مقام مجلس فدرال و شورای ایالات، هر دو، در هیئت واحد، اختیارات آنها را به مورد اجرا می‌گذارد.

۲- «کمیسیون مشترک» نمی‌تواند در این قانون بنیادی، با وضع قانون، تجدید نظر یا از اجرا یا شمول آن کلاً یا جزئاً، جلوگیری نماید. «کمیسیون مشترک» مجاز نخواهد بود، قوانینی پیرو بند (۱) ماده ۲۴ یا ماده ۲۹ وضع کند.

ماده ۱۱۵ و (اقتدارات فوق‌العاده «اتحادیه» در زمان حالت دفاع)

۱- مادام که حالت دفاع وجود دارد، دولت فدرال می‌تواند، تا آنجا که شرایط و اوضاع ایجاد کند، به اقدامات زیر مبادرت ورزد:

- ۱- پاسداران مرزی فدرال را در سراسر قلمرو فدرال به مأموریت اعزام دارد.
- ۲- نه تنها به مراجع اداری فدرال بلکه به دولت‌های ایالات و در صورتی که موضوع را فوری تشخیص دهد به مقامات ایالات دستورالعمل صادر و می‌تواند اختیار مزبور را به اعضای دولت‌های ایالات واگذار نماید.
- ۲- اقداماتی که مطابق بند (۱) این ماده به عمل می‌آید، بی‌درنگ به آگاهی مجلس فدرال، شورای ایالات و «کمیسیون مشترک» خواهد رسید.

ماده ۱۱۵ ز (مقام و وظایف دادگاه قانون اساسی فدرال در زمان حالت دفاع)

به مقام اساسی و اجرای وظایف دادگاه قانون اساسی و دادرسان آن نباید لطمه وارد شود. قانون راجع به دادگاه قانون اساسی فدرال را نمی‌توان به موجب قانونی که «کمیسیون مشترک» وضع می‌کند، مورد تجدید نظر قرار داد. مگر آن که چنین تجدید نظری، با تأیید دادگاه قانون اساسی فدرال، برای حفظ توانایی دادگاه در ایفای وظیفه خود، لازم باشد. تا وضع چنین قانونی، دادگاه قانون اساسی می‌تواند اقداماتی که برای حفظ توانایی دادگاه در انجام کار خود لازم است، به عمل آورد. هر تصمیمی که به وسیله دادگاه قانون اساسی پیرو جمله دوم و سوم این ماده گرفته می‌شود، محتاج اکثریت دو سوم دادرسان حاضر خواهد بود.

ماده ۱۱۵ ح (دوره‌های قانون‌گذاری و دوره‌های تصدی، در زمان حالت دفاع)

۱- هر دوره قانون‌گذاری مجلس فدرال یا مجالس قانون‌گذاری ایالات، که مقرر است در زمانی پایان یابد که حالت دفاع وجود دارد، شش ماه پس از خاتمه حالت دفاع مزبور، پایان خواهد پذیرفت. دوره تصدی رئیس جمهور فدرال، که مقرر است در زمانی پایان یابد که حالت دفاع وجود دارد و هنگامی که وظایف وی را رئیس شورای ایالات، به علت بلامتصدی شدن پیش از موعد مقام ریاست جمهوری، بر عهده می‌گیرد، نه ماه پس از خاتمه حالت دفاع مزبور، پایان خواهد پذیرفت. دوره تصدی عضو دادگاه قانون اساسی که مقرر

است در زمانی پایان یابد که حالت دفاع وجود دارد، شش ماه پس از خاتمه حالت دفاع مزبور، پایان خواهد پذیرفت.

۲- هرگاه ضرورت ایجاد نماید که «کمیسیون مشترک» صدراعظم جدید فدرال را انتخاب نماید، با اکثریت اعضای خود اقدام خواهد کرد. رئیس جمهور فدرال، داوطلبی را به «کمیسیون مشترک» پیشنهاد می نماید. «کمیسیون مشترک» فقط هنگامی می تواند به صدر اعظم فدرال رأی عدم اعتماد دهد که جانشین او را با اکثریت دو سوم اعضای خود انتخاب کند.

۳- مادام که حالت دفاع وجود دارد، مجلس فدرال منحل نخواهد شد.

ماده ۱۱۵ ط (اقتدارات فوق العاده دولت های ایالت)

۱- هرگاه سازمان های صلاحیتدار فدرال، از انجام اقدامات لازم برای دفع خطر ناتوان باشند و هرگاه وضع اضطراری ایجاد نماید که اقدام فوری مستقل در قسمت های خاص قلمرو فدرال به عمل آید، دولت های ایالت یا مقامات یا نمایندگان منصوب از جانب آنان، مجازند، در حدود صلاحیت خود، به انجام اقدامات مندرج در بند (۱) ماده ۱۱۵ «و» مبادرت ورزند.

۲- هر اقدامی که مطابق بند (۱) این ماده انجام شود، ممکن است در هر زمان، به وسیله دولت فدرال، یا در مورد مقامات ایالت و مقامات تابع فدرال، به وسیله نخست وزیران ایالت، موقوف گردد.

ماده ۱۱۵ ی (درجه و مدت اعتبار قوانین فوق العاده و فرامینی که قدرت قانون دارند)

۱- قوانینی که بر طبق ماده ۱۱۵ ج و ۱۱۵ ه و ۱۱۵ ز وضع می شود و همچنین فرامینی که قدرت قانون داشته به استناد قوانین مزبور صادر می گردد، در مدتی که امکان عملی بودن آنها باشد، قوانین یا فرامین معارض را ملغی خواهد ساخت. این حکم شامل قوانینی که قبلاً به استناد مواد ۱۱۵ ج و ۱۱۵ ه و ۱۱۵ ز وضع شده است نخواهد شد.

۲- قوانینی که به وسیله «کمیسیون مشترک» به تصویب می رسد و فرامینی که قدرت قانون داشته به استناد قوانین مزبور صادر می گردد، پیش از انقضای مدت شش ماه از تاریخ خاتمه حالت دفاع، ملغی الاثر خواهد بود.

۳-^۱ قوانینی که مقررات آنها با عدول از مواد ۹۱ الف، ۹۱ ب، ۱۰۴ الف، ۱۰۶ و ۱۰۷ وضع شده باشد، پس از پایان دو مین سال مالی از خاتمه حالت دفاع، اجرا نخواهد شد.

پس از خاتمه حالت مزبور می توان، با موافقت شورای ایالات و به موجب قانون فدرال در آنها تجدید نظر نمود. تا به تصفیه حساب های مقرر در قسمت های «هشتم الف» و «دهم» بینجامد.

ماده ۱۱۵ ک (القای قوانین فوق العاده، خاتمه حالت دفاع، انعقاد صلح)

۱- مجلس فدرال، با موافقت شورای ایالات، هر زمان می تواند، قوانین مصوب «کمیسیون مشترک» را لغو کند. شورای ایالات می تواند از مجلس فدرال خواستار شود که درباره هر امری از این قبیل، تصمیم بگیرد. هر اقدامی که به وسیله «کمیسیون مشترک» یا دولت فدرال به منظور دفع خطر به عمل آید، بنا به تصمیم مجلس فدرال و شورای ایالات، موقوف خواهد شد.

۲- مجلس فدرال، با موافقت شورای ایالات، هر زمان می تواند، پایان حالت دفاع را با تصمیمی، که به وسیله رئیس جمهور فدرال صادر خواهد شد، اعلام دارد. شورای ایالات می تواند از مجلس فدرال خواستار شود

۱ رجوع شود به زیرنویس ماده ۲۳.

که درباره هر امری از این قبیل تصمیم گیرد. همین که شرایط ابقای حالت دفاع دیگر موجود نباشد باید بی درنگ خاتمه یافته اعلام شود.

۳- انعقاد صلح تابع قانون فدرال خواهد بود.

یازدهم - مقررات دوره موقت و نهایی

ماده ۱۱۶ (تعریف «آلمانی» اعطای مجدد تابعیت)

۱- منظور از «آلمانی» در این قانون بنیادی، شخصی است که تابعیت آلمان را داشته یا کسی که به عنوان پناهنده یا رانده شده از کشوری دیگر اما از دودمان آلمانی یا به عنوان همسر یا اولاد چنین شخصی به قلمرو آلمان در محدوده مرزهای تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۷، پذیرفته شده باشد.

۲- به شهروندان پیشین آلمان که، میان ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ و ۸ مه ۱۹۴۵ به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی از تابعیت خود محروم شده‌اند و اولاد آنان، در صورت تقاضا تابعیت آلمان مجدداً اعطا خواهد شد و هرگاه پس از ۸ مه ۱۹۴۵ اقامتگاه خود را در آلمان قرار داده و قصد خلاف آن را اظهار نکرده باشند، چنان منظور خواهند شد که از تابعیت آلمانی خود محروم نگردیده‌اند.

ماده ۱۱۷ (تصمیم موقت در مورد ماده ۳ و ماده ۱۱)

۱- قانونی که با بند (۲) ماده ۳ معارض باشد، تا زمانی که با مقررات این قانون بنیادی منطبق گردد، همچنان به قوت خود باقی خواهد بود. اما زمان مذکور از ۳۱ مارس ۱۹۵۳ تجاوز نخواهد کرد.

۲- قوانینی که حق آزادی تغییر مکان را محدود می‌سازد به سبب کمبود کونی مسکن، تا لغو آن به موجب قانون فدرال، همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

ماده ۱۱۸ (تجدید سازمان ایالات بادن، ورتمبرگ - بادن و ورتمبرگ هونزولرن)

تجدید سازمان قلمروی که شامل ایالات بادن، ورتمبرگ - بادن و ورتمبرگ هونزولرن می‌باشد، ممکن است با وجود مقررات ماده ۲۹، به موجب قراردادی میان ایالات مربوطه، به مورد اجرا گذارده شود. هرگاه میان ایالات مربوطه توافق دست ندهد، تجدید سازمان به موجب قانون فدرال که طی آن باید مراجعه به آرای عمومی (رفراندوم) پیش‌بینی گردد، انجام خواهد شد.

ماده ۱۱۹ (پناهندگان و رانده‌شدگان)

در امور مربوط به پناهندگان و رانده‌شدگان، به ویژه تقسیم آنان میان ایالات، دولت فدرال می‌تواند، با موافقت شورای ایالات، مقرراتی وضع و اعلام دارد که قدرت قانون خواهد داشت و تصفیه امر را موقوف به قانون فدرال نماید. در این مورد می‌توان به دولت فدرال اجازه داد که در هر قضیه‌ای خاص، دستورالعملی مخصوص صادر کند. عنوان دستورالعمل‌های مذکور خطاب به عالی‌ترین مرجع ایالت خواهد بود، مگر آن‌که تعویق موجب ایجاد خطر شود.

ماده ۱۲۰ (هزینه‌های «اشغال نظامی» و مخارج ناشی از جنگ)

۱- «اتحادیه» هزینه‌های مربوط به اشغال نظامی و دیگر مخارج داخلی و خارجی ناشی از جنگ را که به

۱- رجوع شود به زیربخش ماده ۲۳.

۲- به موجب قوانین فدرال مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۶۵، رجوع شود به مجله حقوقی فدرال، بخش اول، صفحه ۱۶۴۹ و ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۹ (رجوع شود به مجله حقوقی فدرال، بخش اول، صفحه ۹۸۵) به شرح متن اصلاح شده است.

۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به مجله حقوقی فدرال، بخش اول، صفحه ۹۸۵).

تفصیل در قانون فدرال پیش‌بینی شده، پرداخت خواهد کرد. هزینه‌های مزبور و دیگر مخارج را، تا حدودی که در قانون فدرال مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۶۹ یا پیش از این تاریخ پیش‌بینی شده، «اتحادیه» و ایالات میان خود، مطابق قانون مربوط فدرال، تقسیم و پرداخت می‌نمایند. این هزینه‌ها و مخارج اگر در قانون فدرال پیش‌بینی نشده و بعدها هم پیش‌بینی نشود و در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۶۵ یا پیش از آن تاریخ به وسیله ایالات، بخش‌ها، انجمن بخش‌ها یا دیگر مؤسساتی که وظایف ایالات یا بخش‌ها را انجام می‌دهند، پرداخت شده باشد، «اتحادیه» ناگزیر به پرداخت چنین هزینه‌هایی نخواهد بود، هر چند که پس از آن تاریخ ناشی شده باشد. «اتحادیه» در برابر مخارج مؤسسات بیمه اجتماعی، به انضمام بیمه بیکاری و همدستی عمومی یا بیکاران، کمک‌های مالی پرداخت خواهد کرد. تقسیم هزینه‌ها و دیگر مخارج ناشی از جنگ، میان «اتحادیه» و ایالات، به گونه‌ای که در این بند مقرر گردیده، از اعتبار تصفیه حساب‌هایی نخواهد کاست که به استناد قانون بوده مربوط به ادعای جبران خسارت حاصل از آثار و نتایج جنگ باشد.

۲- در همان زمان که «اتحادیه» مسئولیت پرداخت هزینه‌های مندرج در این ماده را بر عهده می‌گیرد، درآمد مربوط به آن به «اتحادیه» تأدیه خواهد شد.

ماده ۱۲۰ الف^۱ (اجرای مقررات «برابری» مخارج)

۱- در قوانین مربوط به اجرای مقررات «برابری» مخارج می‌توان با موافقت شورای ایالات، تصریح کرد که به لحاظ صرفه‌جویی، اجرای برخی را «اتحادیه» و برخی را ایالات، در سمت عامل اتحادیه، بر عهده گیرند و اقتداراتی که به دولت فدرال و عالی‌ترین مقام صلاحیت‌دار فدرال به استناد ماده ۸۵ و اگذار شده است، کلاً یا جزئاً به «دیوان برابری سازی فدرال» تفویض گردد. «دیوان برابری سازی فدرال» در اجرای اقتدار مزبور، محتاج موافقت شورای ایالات نخواهد بود و جز در موارد فوری، دستورالعمل‌های وی با عالی‌ترین مرجع ایالات (دیوان برابری سازی ایالت) ابلاغ خواهد شد.

(۲) حکم فوق از اعتبار مقررات جمله دوم بند (۳) ماده ۸۷ نمی‌کاهد.

ماده ۱۲۱ (تعریف «اکثریت»)

در این قانون بنیادی، منظور از اکثریت اعضای مجلس و اکثریت اعضای «کنوانسیون فدرال» اکثریت تعداد قانونی اعضای مربوط آنها خواهد بود.

ماده ۱۲۲ (صلاحیت قانون‌گذاری که تاکنون بوده است)

۱- از تاریخ نخستین جلسه مجلس فدرال، قوانین، منحصراً، به وسیله سازمان‌های قانون‌گذاری مصرح در این قانون بنیادی، وضع خواهد شد.

۲- مراجع قانون‌گذاری و مراجعی که به سمت مشاور در قانون‌گذاری شرکت داشته‌اند و صلاحیت آنان به استناد بند (۱) این ماده، پایان می‌پذیرد، بدین وسیله از همان تاریخ، منحل می‌شوند.

ماده ۱۲۳ (ادامه اعتبار قوانین پیشین و عهدنامه‌های پیشین)

۱- قانونی که پیش از نخستین جلسه مجلس فدرال، لازم‌الاجرا بوده مادام که با این قانون بنیادی مابینت نداشته باشد، همچنان لازم‌الاجرا باقی خواهد ماند.

۲- با حفظ کلیه حقوق و اعتراضات طرف‌های ذی‌نفع، عهدنامه‌هایی که به وسیله آلمان منعقد و مربوط به اموری باشد، که به موجب این قانون بنیادی، در حدود صلاحیت قانون‌گذار ایالت است، همچنان

۱. به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲ مه ۱۹۶۹ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۳۵۹).

لازم الاجرا باقی خواهد ماند. مشروط بر این که مطابق اصول کلی حقوقی، معتبر بوده و اعتبار آنها ادامه داشته باشد. این اعتبارات زمانی است که عهدنامه‌های تازه به وسیله نمایندگان صلاحیت‌دار به موجب این قانون بنیادی، منعقد، یا آن که به جهات دیگر، پیرو شرایط خود، پایان پذیرند.

ماده ۱۲۴ (قوانین پیشین مربوط به اموری که مشمول «قانون‌گذاری انحصاری» است)

همین که قانونی، در هر جا که قابلیت اجرا داشته^۱ مؤثر در اموری باشد که آن امور مشمول اقتدارات قانون‌گذاری انحصاری «اتحادیه» است. چنین قانونی، قانون فدرال خواهد بود.

ماده ۱۲۵ (قوانین پیشین مربوط به اموری که مشمول «قانون‌گذاری مشترک» است)

همین که قانونی در هر جا که قابلیت اجرا داشته^۲ مؤثر در اموری باشد که آن امور مشمول اقتدارات قانون‌گذاری مشترک «اتحادیه» است. قانون فدرال خواهد شد مشروط به این که:

۱- حدودی ده به صورت یکسان در یک یا چند منطقه «اشغال نظامی» شمول داشته باشد.

۲- تا حدودی که قانون آلمان پیشین، پس از ۸ مه ۱۹۴۵ مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد.

ماده ۱۲۶ (مرافعات مربوط به ادامه اعتبار قوانین پیشین)

مرافعات مربوط به ادامه اعتبار قانونی، به عنوان قانون فدرال، به وسیله دادگاه قانون اساسی فدرال، حل و فصل خواهد شد.

ماده ۱۲۷ (قوانین راجع به «اداره امور اقتصادی دو منطقه‌ای»)

ظرف مدت دو سال از تاریخ تصویب و انتشار این قانون بنیادی، دولت فدرال می‌تواند، با موافقت دولت‌های ایالات مربوطه، هر یک از قوانین راجع به «اداره امور اقتصادی دو منطقه‌ای» را مادام که به عنوان قانون فدرال به موجب ماده ۱۲۴ یا ۱۲۵ لازم‌الاجرا باقی می‌ماند، شامل ایالات بادن، برلین بزرگ، راین‌لند - پالاتینات و وورتمبرگ - هوهنزولرن نماید.

ماده ۱۲۸ (ادامه اختیارات در صدور دستورالعمل)

مادام که قانونی لازم‌الاجرا باقی می‌ماند، اگر اختیار صدور دستورالعمل به مفهوم مندرج در بند (۵) ماده ۸۴ در آن پیش‌بینی شده باشد، این اختیارات همچنان به قدرت خود باقی خواهد ماند، مگر آن که قانون خلاف آن را مقرر دارد.

ماده ۱۲۹ (ادامه اعتبار مجوزها)

۱- ماده که مقررات قانونی، به عنوان قانون فدرال، لازم‌الاجرا باقی می‌ماند، هرگاه متضمن اجازه صدور «فرامین دارای قدرت قانون» یا صدور قواعد عمومی اداری یا انجام اقدامات اداری باشد مجوزهای مزبور به دارائی که از این بعد در آن امر صلاحیت دارند، منتقل خواهد شد. در موارد تردید، دولت فدرال با موافقت شورای ایالات، تصمیم خواهد گرفت. تصمیم مزبور باید چاپ و منتشر شود.

۲- ماده که مقررات قانونی، به عنوان قانون ایالت، لازم‌الاجرا باقی می‌ماند، هرگاه متضمن چنین اجازه‌هایی باشد، مجوزهای مزبور به وسیله ادارات صلاحیت‌دار برحسب قانون ایالت به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

۳- ماده که مقررات قانونی به مفهوم مندرج در بندهای (۱) و (۲) این ماده، اجازه تجدیدنظر یا تکمیل یا صدور مقررات قانونی به جای قانون داده باشد، چنین مجوزهایی پایان یافته تلقی می‌شوند.

۱ منظور است - منطقه است

۲ همان

۴- مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده شامل مقررات قانونی خواهد شد که در آنها به قوانینی رجوع شده باشد که دیگر اعتبار ندارند یا نهادهایی که دیگر نیستند.

ماده ۱۳۰ (مؤسسات حقوق عمومی که شخصیت حقوقی دارند)

۱- ادارات اجرائی و نهادهایی که در خدمت امور عمومی یا دستگاه اجرای عدالتند و مبتنی بر قانون ایالت یا معاهدات میان ایالات نیستند و همچنین «انجمن مدیریت راه‌های آهن جنوب غربی آلمان» و «شورای اداری خدماتی پستی و مخابرات منطقه تحت اشغال فرانسه، تابع دولت فدرال خواهند بود. دولت فدرال با موافقت شورای ایالات، نسبت به انتقال، انحلال، یا تصفیه آنها اقدام خواهد کرد.

۲- عالی‌ترین رئیس انضباطی کارکنان این ادارات و نهادها، وزیر صلاحیت‌دار فدرال خواهد بود.

۳- مؤسسات و نهادهای حقوق عمومی که شخصیت حقوقی دارند و مستقیماً تابع ایالتی نبوده و مبتنی بر معاهدات میان ایالات نباشند، زیر نظارت عالی‌ترین مقام صلاحیت‌دار فدرال خواهند بود.

ماده ۱۳۱ (اشخاصی که در سابق در خدمت امور عمومی بوده‌اند)

وضع حقوقی اشخاص و همچنین پناهندگان و رانده‌شدگانی که در تاریخ ۸ مه ۱۹۴۵، در امور عمومی مستخدم بوده و خدمت خود را به دلایلی غیر از آنچه که از مقررات خدمات کشوری یا شرایط قراردادهای دسته جمعی ناشی می‌شود، ترک و تاکنون مجدداً به کار گمارده نشده، یا در شغلی استخدام شده‌اند که مشابه شغل پیشین آنان نیست، به موجب قانون فدرال تنظیم خواهد شد. همین حکم شامل اشخاص و همچنین پناهندگان و رانده‌شدگانی خواهد شد که در تاریخ ۸ مه ۱۹۴۵ مستحق حقوق بازنشستگی بوده و به دلایلی غیر از آنچه که از مقررات خدمات کشوری یا «مقررات قرارداد دسته جمعی» ناشی می‌شود، حقوق بازنشستگی مزبور یا مستمری متناسب با آن را، دیگر دریافت نمی‌دارند. تا زمانی که قانون مربوط فدرال به مورد اجرا گذارده نشده، دعوی قضائی طرح نخواهد شد، مگر آن که قانون ایالت به گونه‌ای دیگر مقرر داشته باشد.

ماده ۱۳۲ (الغای موقت حقوق مستخدمین کشوری)

۱- مستخدمین کشوری و دادرسانی را که به هنگام لازم‌الاجرا شدن این قانون بنیادی برای مادام‌العمر منصوب شده‌اند، می‌توان ظرف مدت شش ماه پس از نخستین جلسه مجلس فدرال، در فهرست بازنشستگان یا منتظران خدمت قرارداد و هرگاه فاقد شایستگی شخصی یا حرفه‌ای در انجام وظایف فعلی باشند، وظیفه‌ای دیگر، با موابجی کمتر، به آنان محول نمود. همین حکم شامل کارمندان حقوق بگیر عمومی، به جز مستخدمین کشوری یا دادرسان، که خدمت آنان را نتوان با اخطار خاتمه داد، نیز خواهد شد. هرگاه خدمت مزبور را بتوان با اخطار خاتمه داده و اگر مدت اخطار زائد بر مدت تعیین شده به موجب «مقررات قرارداد دسته جمعی» باشد، می‌توان آن را ظرف مدت شش ماه مذکور در فوق لغو نمود.

۲- مقررات بالا شامل کارکنان امور عمومی که مشمول مقررات مربوط به «آزادی از سوسیالیسم ملی و نظامی» نیستند، یا قربانیان «سوسیالیسم ملی» شناخته شوند، نخواهد شد، مگر به دلایلی مهم که مربوط به شخصیت آنها باشد.

۳- مشمولین، در صورت عدم رضایت، می‌توانند مطابق بند (۴) ماده (۱۹) به دادگاه‌ها رجوع نمایند.

۴- تفصیل آنها در آیین‌نامه دولت فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، تصریح خواهد شد.

ماده ۱۳۳ (جانشین قانونی اداره امور اقتصادی دو منطقه‌ای)

«اتحادیه» در مورد حقوق و تعهدات «اداره امور اقتصادی دو منطقه‌ای» جانشین آن خواهد بود.

ماده ۱۳۴ (اموال آلمان پیشین، اموال فدرال می‌شود)

۱- اموال آلمان پیشین، اصولاً، اموال فدرال می‌شود.

۲- آنچه از این اموال که در آغاز صریحاً به منظور استفاده در کارهای اجرائی بوده و به موجب این قانون بنیادی از کارهای اجرائی اتحادیه نیست، بلاعوض به اداراتی که اکنون عهده‌دار چنین کارهایی هستند و به ایالات، ماده که در حال حصر، دائماً، از آن استفاده می‌کنند، برای امور اجرائی که برحسب این قانون بنیادی در صلاحیت اجرائی ایالات است، منتقل خواهد شد. «اتحادیه» می‌تواند اموال دیگر را نیز به ایالات منتقل کند.

۳- اموالی که به وسیله ایالات، بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها، بلاعوض، در اختیار آلمان پیشین گذارده شده، به مالکیت همان ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها باز می‌گردد، مگر آن که برای کارهای اجرائی «اتحادیه» مورد نیاز باشد.

۲- تفصیل آن را قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، مقرر خواهد داشت.

ماده ۱۳۵ (وضع اموال در صورت تغییر قلمرو)

۱- هرگاه پس از ۱۹۴۵ و پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون بنیادی، ناحیه‌ای از یک ایالت به ایالتی دیگر منتقل شده باشد، ایالتی که اکنون ناحیه مزبور متعلق به آن است، حق استفاده از اموال واقع در آن ناحیه را، که متعلق به ایالت پیشین بوده است، خواهد داشت.

۲- اموال متعلق به ایالات یا مؤسسات دارای شخصیت حقوقی یا نهادهای حقوق عمومی که اکنون دیگر وجود ندارند، ماده که در آغاز، صریحاً، به منظور استفاده در کارهای اجرائی بوده یا در حال حاضر آشکارا، دائماً در کارهای اجرائی از آن استفاده می‌شود، به ایالت یا مؤسسه دارای شخصیت حقوقی یا نهاد حقوق عمومی که اکنون این کارها را بر عهده دارد، منتقل می‌گردد.

۳- اموال غیر منقول متعلق به ایالتی که اکنون دیگر وجود ندارند و همچنین متعلقات آنها، به ایالتی منتقل می‌گردد که مال در آن واقع است، مگر آن که مال مشمول مقررات بند (۱) این ماده باشد.

۴- هرگاه مصحح عدل اتحادیه یا مصحح خاص ناحیه‌ای ایجاب نماید که امری با عدول از بندهای (۱) و (۳) این ماده تصفیه شود، به وسیله قانون فدرال انجام خواهد شد.

۵- در کلیه سایر موارد، هرگاه انتقال حق و تصفیه اموال، تا پیش از اول ژانویه ۱۹۲۵ بر حسب قرارداد میان ایالات یا مؤسسات دارای شخصیت حقوقی یا نهادهای حقوق عمومی مربوط، انجام نگرفته باشد، به موجب قانون فدرال که به موافقت شورای ایالات رسیده باشد، نسبت به آنها تعیین تکلیف خواهد شد.

۶- منافع ایالت سابق، پروس، در دستگاه‌های تولیدی تابع حقوق خصوصی به «اتحادیه» واگذار می‌شود. قانون فدرال، که ممکن است از این حکم نیز عدول کند، تفصیل آن را مقرر خواهد داشت.

۷- هرگاه، به هنگام لازم‌الاجرا شدن این قانون بنیادی، مالی که پیرو بندهای (۱) و (۳) این ماده باید به ایالت یا مؤسسه دارای شخصیت حقوقی یا نهاد حقوقی عمومی، منتقل شود، به استناد قانونی ایالتی یا به هر نحو دیگر، به وسیله طرفی که بدین قرار ذیحق است، فروخته یا واگذار شده باشد، چنین فرض خواهد شد که انتقال مال پیش از فروش یا واگذاری مزبور، صورت گرفته است.

ماده ۱۳۵ الف^۱ (الغای کلی یا جزئی برخی تعهدات آلمان پیشین و ایالت سابق «پروس» و غیره) در قوانینی که تصویب آنها به موجب بند (۴) ماده ۱۳۴ و بند (۵) ماده ۱۳۵ به «اتحادیه» اختصاص یافته می‌توان همچین تصریح کرد که تعهدات زیر کلاً یا به طور کامل، اجرا نخواهد شد:

۱- تعهدات آلمان پیشین یا تعهدات ایالت سابق «پروس» یا تعهدات مؤسسات دارای شخصیت حقوقی و نهادهای حقوق عمومی که دیگر وجود ندارند.

۲- تعهدات «اتحادیه» یا مؤسسات دارای شخصیت حقوقی و نهادهای حقوق عمومی که پیرو مواد ۸۹، ۹۰، ۱۳۴ یا ۱۳۵ به انتقال اموال مربوط می‌شود و تعهدات دستگاه‌های مزبور که از اقدامات دستگاه‌های مندرج در شماره ۱ ناشی شده است.

۳- تعهدات ایالات یا بخش‌ها یا انجمن بخش‌ها که از اقداماتی ناشی شده باشد که به وسیله این دستگاه‌ها پیش از اول اوت ۱۹۴۵ اتخاذ و در محدوده وظایف اجرایی بوده که بر عهده آلمان پیشین، یا به وسیله آن تفویض و برای اجرای مقررات نیروهای اشغالی یا رفع حالت اضطرار مربوط به جنگ، بوده است.

ماده ۱۳۶ (نخستین اجلاس شورای ایالات)

۱- شورای ایالات، برای اولین بار، در روزی که نخستین جلسه مجلس فدرال تشکیل می‌شود، اجلاس خواهد داشت.

۲- تا انتخاب نخستین رئیس جمهور فدرال، اختیارات او به وسیله رئیس شورای ایالات به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. وی حق انحلال مجلس فدرال را نخواهد داشت.

ماده ۱۳۷ (حق مستخدمین کشوری)

۱- حق مستخدمین کشوری و دیگر کارمندان عمومی حقوق بگیر و سربازان حرفه‌ای و سربازان موقت داوطلب، یا دادرسان را برای نامزد شدن در انتخابات «اتحادیه» و ایالات و بخش‌ها، می‌توان به موجب قانون محدود نمود.

۲- قانون انتخابات که به تصویب «شورای پارلمانی» می‌رسد، شامل انتخابات نخستین مجلس فدرال و نخستین کنوانسیون فدرال و نخستین رئیس جمهور فدرال جمهوری فدرال خواهد شد.

۳- مادام که دادگاه قانون اساسی تشکیل نگردیده و وظایف آن پیرو بند (۲) ماده ۴۱، بر عهده «دادگاه عالی آلمان برای نواحی به هم پیوسته اقتصادی» خواهد بود که مطابق مقررات آیین دادرسی خود رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۱۳۸ (دفاتر اسناد رسمی)

تغییر مقررات مربوط به دفاتر اسناد رسمی که اکنون در ایالات بادن^۲، باواریا، ورتمبرگ-بادن^۴ و ورتمبرگ-هوهنزولرن^۵ وجود دارند، محتاج موافقت دولت این ایالات خواهد بود.

ماده ۱۳۹ (قانون آزادی)

مقررات این قانون بنیادی از اعتبار قانونی که برای «آزادی مردم آلمان از سوسیالیسم ملی و نظامی» به تصویب رسیده است، نخواهد کاست.

۱ به موجب قانون فدرال مورخ ۱۲۲ کتبر ۱۹۵۷ افزوده شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۷۴۵).

۲ به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ به شرح متن اصلاح شده است (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱).

۳ رجوع شود به زیر نویس ماده ۲۳

۴ همان.

۵ همان.

ماده ۱۴۰ (اعتبار مواد قانونی اساسی «ویمار»)

مقررات مواد ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۱ قانون اساسی آلمان مورخ ۱۱ اوت ۱۹۱۹ جزء متمم این قانون بنیادی است.

ماده ۱۴۱ (ماده برامن)

نخستین جلسه بند (۳) ماده ۷ شامل ایالتی نخواهد شد که در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۹ مقرراتی دیگر به موجب قانون ایالت در آن لازم الاجرا بوده است.

ماده ۱۴۲ (حقوق اساسی در قوانین اساسی ایالات)

با حفظ اعتبار ماده ۳۱، مقررات قوانین اساسی ایالات که با مواد ۱ تا ۱۸ این قانون بنیادی مطابقت داشته باشد، به عنوان تضمین حقوق اساسی همچنان لازم الاجرا باقی خواهد ماند.

ماده ۱۴۲ الف

نسخ شده است.

ماده ۱۴۳

نسخ شده است.

ماده ۱۴۴ (تصویب نهایی قانون بنیادی - نمایندگان «برلین» در مجلس فدرال شورای ایالات)

۱- این قانون بنیادی محتاج تصویب نهایی مجالس نمایندگان دو سوم ایالات آلمان خواهد بود که در حال حاضر فرستاده است این قانون در آنها به مورد اجرا گذاشته شود.

۲- تا آنجا که جری این قانون بنیادی در هر یک از ایالات مندرج در ماده ۲۳ یا قسمتی از آن با محدودیت‌هایی روبه‌رو باشد، چنین ایالتی یا قسمتی از آن، حق دارد نمایندگانی مطابق ماده ۳۸ به مجلس فدرال و مطابق ماده ۵۰ به شورای ایالات اعزام دارد.

ماده ۱۴۵ (تصویب و اعلام قانون بنیادی)

۱- «شورای پارلمانی» در جلسه علنی، با شرکت نمایندگان «برلین» بزرگ، مراتب تصویب نهایی این قانون بنیادی را تأیید و آن را توشیح و اعلام خواهد کرد.

۲- این قانون بنیادی در پایان روزی که آن را اعلام کنند، لازم الاجرا خواهد شد.

۳- قانون مزبور در مجله حقوقی فدرال چاپ و منتشر می‌شود.

ماده ۱۴۶ (مدت اعتبار قانون بنیادی)

اجرای این قانون بنیادی در روزی موقوف خواهد شد که قانونی اساسی، با تصمیم آزاد مردم آلمان تصویب و به مورد اجرا گذاشته شود.

متمم قانون بنیادی

ماده ۱۳۶ از (قانون اساسی «ویمار» مورخ ۱۱ اوت ۱۹۱۹)

۱- حقوق مدنی و سیاسی و تکالیف ناشی از آنها به آزادی مذهب محدود نگردیده و به آن متکی نخواهد بود.

۱- جریغ سرود، مجله حقوقی فدرال

۲- در مجله حقوقی فدرال مورخ ۲۵ مارس ۱۹۵۲ فروده شد (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۴۵) و به موجب قانون فدرال مورخ

۳۰ مارس ۱۹۶۱ نسخ شده است. جریغ سرود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۴

۳- به موجب قانون فدرال مورخ ۱۹ مارس ۱۹۵۶ اصلاح شد (رجوع شود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۱۱۱) و به موجب قانون فدرال مورخ ۲۰ مارس ۱۹۶۸ جریغ سرود به «مجله حقوقی فدرال» بخش اول، صفحه ۷۱۴.

۲- بهره‌مند شدن از حقوق مدنی و سیاسی و همچنین شرایط احراز مشاغل عمومی، مستقل از اعتقادات مذهبی و از آن جدا خواهد بود.

۳- هیچ کس موظف نیست معتقدات مذهب خود را افشا کند. مقامات مربوط، حق ندارند در مورد عضویت اشخاص در مؤسسات مذهبی بازجویی کنند، مگر تا آن اندازه که حقوق یا تکالیفی متکی به آنها بوده یا بررسی آماری به حکم قانون. آن را ایجاب نماید.

۴- هیچ کس را نمی‌توان مجبور کرد که اعمال یا آیین‌های مذهبی به جا بیاورد یا در اجرای وظایف مذهبی شرکت جوید یا آن که با مراسم مذهبی سوگند یاد کند.

ماده ۱۳۷ از (قانون اساسی «ویمار»)

۱- کلیسای دولتی وجود نخواهد داشت.

۲- آزادی اجتماعات به منظور تشکیل مؤسسات مذهبی تضمین می‌شود. اتحاد مؤسسات مذهبی در قلمرو آلمان با هیچ محدودیتی روبه‌رو نخواهد شد.

۳- هر مؤسسه مذهبی امور خود را در محدوده قانونی که برای همه معتبر است، به استقلال، تنظیم و اداره می‌نماید و مشاغل خود را بدون دخالت دولت یا هیئت‌های کشوری، واگذار خواهد کرد.

۴- مؤسسات مذهبی، بر طبق مقررات عمومی حقوق مدنی، صلاحیت قانونی تحصیل خواهند کرد.

۵- مؤسسات مذهبی، که تاکنون مؤسساتی بوده‌اند دارای شخصیت حقوقی تابع حقوق عمومی، به همان صورت باقی خواهند ماند. به دیگر مؤسسات مذهبی، در صورتی که تقاضا کنند و اساسنامه و تعداد اعضای آنان از دوام آنها اطمینان دهد، همین حقوق داده خواهد شد. هر گاه چند مؤسسه مذهبی تابع حقوق عمومی از این قبیل در یک سازمان متحد شوند، چنین سازمانی نیز مؤسسه‌ای مذهبی دارای شخصیت حقوقی تابع حقوق عمومی خواهد بود.

۶- مؤسسات مذهبی دارای شخصیت حقوقی تابع حقوق عمومی، حق خواهند داشت مطابق قانون ایالت و براساس فهرست‌های مالیات کشوری، مالیات وضع کنند.

۷- انجمن‌هایی که هدف آنان گسترش ایدئولوژی فلسفی است، همان وضع اجتماعی مؤسسات مذهبی را خواهند داشت.

۸- مقررات دیگری، که برای اجرای احکام مذکور مورد نیاز باشد، بر عهده قانون‌گذار ایالت خواهد بود.

ماده ۱۳۸ از (قانون اساسی «ویمار»)

۱- اعانه‌های دولت به مؤسسات مذهبی، به استناد قانون یا قرارداد یا عنوان خاص حقوقی، به موجب قانون ایالتی پرداخت خواهد شد. اصول پرداخت مزبور به تصویب دولت آلمان خواهد رسید.

۲- حق تملک و داشتن دیگر حقوق که برای مؤسسات یا انجمن‌های مذهبی مقرر است، در مورد نهادها، بنیادها و دیگر دارایی‌هایی که به منظور عبادت، آموزش، یا امور خیریه اختصاص یافته، تضمین می‌شود.

ماده ۱۳۹ از (قانون اساسی «ویمار»)

روز یکشنبه و تعطیلات عمومی که دولت به رسمیت شناخته، همچنان به عنوان روزهای استراحت و تهذیب روحی، در حمایت قانون باقی خواهد ماند.

ماده ۱۴۱ از (قانون اساسی «ویمار»)

مادام که به اجرای آیین‌های مذهبی و توجه روحی در ارتش، در بیمارستان‌ها و در زندان‌ها، یا دیگر

بنیادهای عمومی نیاز باشد. مؤسسات مذهبی مجاز خواهند بود که به اجرای اعمال مذهبی مبادرت ورزند.

در این مورد به هیچ وجه اجبار نخواهد بود.

(۲۳ مه ۱۹۴۹)